



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# نشان سنجی

ترجمہ کتاب "النبيان في احوال صاحب الزمان"  
تأليف: محمد بن يوسف كنجي شافعي  
١٠٠٠ ص

مترجم: ڈاکٹر عینا حریزگر  
اسو سائنس، نیشنل انسٹیٹیوٹ آف سائنس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نشان از غایب : ترجمه کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان (عج)

نویسنده:

محمد بن یوسف گنجی شافعی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی نبا

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	نشان از غایب : ترجمه کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان (عج)
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۰	مقدمه مؤلف
۱۴	مقدمه مترجم
۱۶	درباره نویسنده
۲۰	« باب اول »
۲۶	« باب دوم »
۲۸	« باب سوم »
۳۰	« باب چهارم »
۳۲	« باب پنجم »
۳۴	« باب ششم »
۴۰	« باب هفتم »
۴۴	« باب هشتم »
۴۶	« باب نهم »
۴۸	« باب دهم »
۵۱	« باب یازدهم »
۵۳	« باب دوازدهم »
۵۵	« باب سیزدهم »
۵۷	« باب چهاردهم »
۵۷	« باب پانزدهم »
۵۹	« باب شانزدهم »
۶۱	« باب هفدهم »

۶۱ ..... « باب هجدهم »

۶۳ ..... « باب نوزدهم »

۶۵ ..... « باب بیستم »

۶۷ ..... « باب بیست و یکم »

۶۷ ..... « باب بیست و دوم »

۶۹ ..... « باب بیست و سوم »

۷۰ ..... « باب بیست و چهارم »

۷۱ ..... « باب بیست و پنجم »

۸۵ ..... سخنی با خواننده :

۸۸ ..... درباره مرکز

## نشان از غایب : ترجمه کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان (عج)

### مشخصات کتاب

سرشناسه : کنجی، محمد بن یوسف، - ۶۵۸ق.

عنوان قراردادی : البیان فی اخبار صاحب الزمان. فارسی

عنوان و نام پدیدآور : نشان از غایب : ترجمه کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان (عج) / محمد بن یوسف گنجی شافعی ؛ مترجم مینا جیگاره.

مشخصات نشر : تهران: نیا، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۹۲ص.

شابک : ۲۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۸۳۲۳-۷۸-۸

وضعیت فهرست نویسی : فایا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- احادیث

موضوع : مهدویت

موضوع : مهدویت -- احادیث

شناسه افزوده : جیگاره، مینا، ۱۳۴۱ -، مترجم

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/ک۸۴ب ۹۰۴۱ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۵۸۷۲۳

ص: ۱

اشاره

ترجمه كتاب:

البيان في اخبار صاحب الزمان (عج)

تأليف:

محمد بن يوسف گنجی شافعی

مترجم:

دکتر مینا جیگاره

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء



ترجمه کتاب: البی-ان فی اخب-ار ص-احب ال-زمان (ع-ج) / مت-رج-م: دکتر

مینا جیگاره / حروفچینی: انتشارات نبأ / لیتوگرافی و چاپ: کاری گرافیک

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه / قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال / کد کتاب: ۱۳۲ / ۲۰۱

ناشر: انتشارات نبأ / ته-ران، خیابان ش-ریعت-ی، روب-روی ملک، ک-وچ-ه

شبستری، خیابان ادیبی شماره ۲۶ تلفکس: ۷۷۵۰۶۶۰۲ \_ ۷۷۵۰۴۶۸۳

شابک: ۸ \_ ۷۸ \_ ۸۳۲۳ \_ ۹۶۴ \_ ۸ \_ ۷۸ - ۸۳۲۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸ ISBN: ۹۷۸

ص: ۲

## مقدمه مؤلف

### مقدمه مؤلف (۱)

اما بعد، حمد و سپاس خداوندی را که آغاز هر باب و پایان بخش هر خطاب است، و صلوات و درود بر رسول مکرمش که تمامی پادشهارا جلب و تمامی کیفرها را دفع می کند، و صلوات و درود بر خاندان پاکش که با وجود تابناکشان تاریکی ابرها را برطرف، و با علوم و معارفشان، هر پرده و حجابی را کنار می زنند و صفای باطنشان کدورت هر شکی را زدوده و هر اضطراب و نگرانی را به آرامش تبدیل می کند.

اما بعد، ما در این کتاب از آثار نبوی و نشانه های الهی هر آنچه را که موافق با اهل وفاق و مخالف با دشمنان [و نادانان] است را بی کم و کاست آورده ایم، و برای دوستان، اغراض پنهانی را آشکار و صخره سخت گمراهی را کوبیده ایم، پرده از علم واقعی برداشته و سنت های پسندیده را آشکار کرده ایم، و مطالب را بر گوشه های ملول، گوارا ساختیم و آنچه را که نفعش بعید بنظر می رسید نزدیک گردانیدیم.

ص: ۳

و آنچه مرا به تألیف کتاب پیشین و کتاب کنونی (۱) ترغیب نمود،

امیدم به ثواب عظیم الهی در موقف حساب و رسیدن به شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و آل او : در آن روز [سخت  
[می باشد.

سپس این خادم، تصمیم به دست بوسی مولایمان صاحب اعظم تاج دین، ستون اسلام، فخر امرای آل رسول صلی الله علیه و  
آله و سلم غیاث الدوله، مرضی امیر مؤمنان علیه السلام (۲) که خداوند حکومت را برای او مستدام و  
مشکلات را حل فرماید گرفت...

به همین جهت مشغول نگارش کتابی شدم که نام آنرا «البيان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام» نهادم، و ویژگی این کتاب  
آن است که از آوردن اخبار شیعه خودداری شده است، زیرا آنچه مورد قبول شیعه باشد برای آنان روشن است، آوردن دلیل  
از غیر شیعه تأکید بیشتری را در بر خواهد داشت.

و این کتاب دارای ابوابی چند است :

ص: ۴

---

۱- مقصود از کتاب پیشین کتاب «کفایه الطالب» و مراد از کتاب کنونی کتاب «البيان» است.

۲- تاج الدین ابوالمکارم محمد بن نصر بن یحیی هاشمی علوی جانشین خلیفه باربل بود، وی به سال ۶۵۶ در کوهی به نام سیاه  
کوه به قتل رسید، وی پس از واقعه بغداد به محضر سلطان بغداد رفت اما او دستور قتل تاج الدین را صادر کرد. وی مردی  
بخشنده، فاضل و متدین بود و در مجازات کردن فاسدان و شرابخواران بسیار مبالغه می کرد، وی در عقل و رای، هیبت و  
سخاوت، بزرگیو تدبیر سرآمد مردان روزگار خود بود. العبره: ۲۳۴، الحوادث الجامعه ۲۳۶.

باب اول: در ذکر خروج صاحب الزمان علیه السلام در آخر الزمان

باب دوم: درباره حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که: «مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.»

باب سوم: مهدی از سروران و بزرگان اهل بهشت است.

باب چهارم: دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر بیعت با مهدی علیه السلام.

باب پنجم: اهل مشرق زمین مهدی علیه السلام را یاری می کنند.

باب ششم: مدت حکومت آن حضرت پس از ظهور.

باب هفتم: مهدی علیه السلام پیشاپیش حضرت عیسی علیه السلام نماز می گزارد.

باب هشتم: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم مهدی علیه السلام را توصیف می کند.

باب نهم: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تصریح می کنند که مهدی علیه السلام از فرزندان حسین علیه السلام است.

باب دهم: کرم مهدی علیه السلام.

باب یازدهم: پاسخ به کسانی که گمان می کنند مهدی علیه السلام همان مسیح علیه السلام فرزند مریم علیها السلام است.

باب دوازدهم: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هرگز امتی که من در اول آن، عیسی علیه السلام در آخر آن و مهدی علیه السلام در میانه آن باشد، هلاک نمی شود.»

باب سیزدهم: کنیه آن حضرت و اینکه خوی مهدی علیه السلام شبیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

باب چهاردهم: سرزمینی که مهدی علیه السلام از آنجا خروج می کند.

باب پانزدهم: ابری که به هنگام خروج مهدی علیه السلام همواره بر سر آن حضرت سایه می افکند.

باب شانزدهم: فرشته ای با مهدی علیه السلام خروج می کند.

باب هفدهم: صفات مهدی علیه السلام و توصیف رنگ پوست و اندام آن حضرت.

باب هجدهم: خالی که آن حضرت بر گونه راستش دارد، لباس ایشان و فتح سرزمین های شرک.

باب نوزدهم: دندانهای مهدی علیه السلام.

باب بیستم: فتح قسطنطنیه.

باب بیست و یکم: مهدی علیه السلام پس از حکومت ستمگران قیام می کند.

باب بیست و دوم: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی علیه السلام پیشوایی صالح است.»

باب بیست و سوم: امت اسلام در زمان مهدی علیه السلام متنعم و غرق در نعمت خواهند بود.

باب بیست و چهارم: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خبر می دهد که مهدی علیه السلام خلیفه و جانشین خداوند است.

باب بیست و پنجم: در بیان این که جایز است مهدی علیه السلام پس از غیبتش زنده و باقی باشد.

از آن هنگام که چشم به این عالم گشوده شد دیدگان مردم را منتظر قدمش یافتیم و نگاهها را دوخته به دور دست، مگر در آن افق دور دست که بود که خستگان را واله خود کرده بود؟ اما آنچه یافتیم انتظار دیدار و ظهور بود، در حالیکه حضورش غوغا می کرد، اما چرا حضورش را احساس نمی کردند؟ نکند که از شوق ظهور، درک حضور را به فراموشی سپرده بودند؟ و امروز که چشمان مان، بی فروغ گشته و در انتظار باز شدن به واقعیت جهانی دیگر است ظهورش را شاهد نبودیم و بالاتر آن که درک حضورش را نکردیم. و اینک در میان هزاران کتاب، بوی معطری از کتابی، به مشام جان رسید که چون بازش نمودیم، سخن از آن آشنای غایب را یافتیم. لذا با اشتیاق، سطرهای کتاب را به زبانی قابل درک برای درد آشنایان، بازنویسی نمودیم، باشد که جانهایمان صفا یابد.

و تو، ای صفای صفا و مروه، ای عارف عرفات و مزدلفه، ای مُنای منی، ای همیشه همراه، ای همواره غم خوار، ای دلدار، ای دلداده دست و پا زدنمان را شاهد باش که سر از پا نشناخته به دنبال نشانه ایو یا کلامی و سخنی از شما هستیم. نشانی از آن غایب حاضر، آن باطن ظاهر، آن ظاهر باطن، آن آخر اول، آن آغاز دلنشین، آن همانم نبی، آن فرزند علی، آن عشق، آن معشوق، آن عاشق.

شنیدیم که:

تو را مهدی خوانند\*\*\*پس هدایتان کن

هادی ات نامند\*\*\*پس راهنمایمان باش

ابالغیث گویند\*\*\*پس به فریادمان رس

تو را فارس الحجاز نامند\*\*\*پس بر مرکب معرفت سوارمان نما

ابن الحسن خوانندت\*\*\*پس نیکویمان گردان

تورا معشوق دانند\*\*\*پس دیوانه عشقت کن

و تو را لیلی خوانند\*\*\*پس مجنونمان گردان ای تو همه، ای همه تو، یاری مان کن و قلبمان را به داغ «جَنَّتِي حُبُّ الْمَهْدِيِّ» بسوزان.

\*\*\*

این کتاب ترجمه کتابی است از محمدبن یوسف گنجی شافعی به نام «البيان في أخبار صاحب الزمان» که در اصل در ادامه کتاب «كفايه المطالب في مناقب علي بن ابي طالب عليه السلام» آمده که اینک به صورت جداگانه به چاپ رسیده است.

آنچه از حافظ گنجی می توان گفت این است که وی از جمله مدافعان امیرالمؤمنین علیه السلام و خاندان مطهر ایشان : بوده و به همین دلیل نیز به قتل می رسد. از ویژگی های وی این است که در علم حدیث بسیار توأماً و قدرتمند است و اهل تقوا، صداقت، امانت و جوانمردی است که همین ویژگی ها وی را بر این می دارد که در جمع احادیث، روایات سره را از ناسره تمیز دهد او در نقل روایات بسیار محتاط است و جز از راوی عادل و صادق

زیرک، روایت را أخذ و نقل نمی کند و از این روست که احادیث اهل غفلت و اشتباه را به دور می اندازد. فخرالدین محمد بن یوسف بن محمد گنجی ۲۹ رمضان سال ۶۵۸ در مسجد دمشق مورد حمله قرار گرفت و به قتل رسید.

نوشتن یک کتاب مستقل درباره امام زمان علیه السلام توسط یک عالم ال سنّت، حاوی پیام های بسیاری می تواند باشد. از جمله:

— اعتقاد به مهدویت و اصلاح جهان توسط امام زمان علیه السلام ساخته و پرداخته شیعه نیست، بلکه یک اعتقاد اصیل و براساس احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده و توسط آن حضرت مطرح شده است. بدیهی است ائمه و پیشوایان شیعه نیز هر یک در این باره توضیحات بیشتری داده اند.

— اعتقاد به مهدویت یک اعتقاد راسخ مشترک بین شیعه و سنّی است و با توجه به هدف مهم و ایجاد زمینه های وحدت بین مسلمین، گسترش این اعتقاد و نشر اینگونه کتابها، موجب انسجام بیشتر و تحکیم وحدت مردم مسلمان خواهد بود.

نکته ای درباره ترجمه احادیث این کتاب لازم به ذکر است این است که در نقل نام تمامی روایان حدیث رعایت اختصار شده و فقط و ذکر اولین و آخرین نام آنها اکتفا شده است اسامی کتابهایی که مرجع نقل بوده در پاورقی صفحات آمده است.

درباره نویسنده

## درباره نویسنده

حافظ (۱) محمد بن یوسف گنجی شافعی، مردی فاضل و ادیب و

دارای قدرت و توانائی فوق العاده در علم حدیث و شخصی باتقوا و با صداقت و امانت است و آنگونه که در مقدمه کتاب کفایه الطالب خود می گوید: در نقل روایات بسیار محتاط بوده و جز از راوی عادل و حاذق زیرک، روایت را اخذ و نقل نمی کند.



۱- عنوان حافظ در اصطلاح اهل سنت بالاترین مقام در میان محدثان به شمار می رود. حافظ باید آشنا به سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و آگاه به طرق سنن بوده و این طریق را به خوبی تمییز دهد. حافظ باید پانصد هزار حدیث را حفظی کرد. حداقل احادیث حفظ شده توسط حافظ نباید کمتر از بیست هزار حدیث باشد. / علوم حدیث و اصطلاحات آن.

حافظ گنجی شافعی بود و فقه را از ائمه شافعی و رجال این مذهب فراگرفت.

حافظ گنجی در قرن هفتم می زیسته و ابتدا ساکن «مشهد شریف» در حصباء از توابع شهر موصل زندگی می کرده است. وی در طلب علم و شنیدن حدیث به سرزمین های مختلف سفر می کرد. یکبار به دمشق و اطراف آن و بار دیگر به مکه، حلب و نیز به اربل، تکریت و بغداد سفر کرده و بالاخره در دمشق اقامت گزیده است.

حافظ گنجی علاقه و محبت زیادی نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام داشته و در مجالس خود از ذکر فضائل آن حضرت بهره می جسته است لذا اقدام به نوشتن کتابی در این خصوص نموده و نام آن را «کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابیطالب علیه السلام» نهاده است.

محبت وی به امیرالمؤمنین علی علیه السلام و نوشتن کتاب فوق باعث ایجاد دشمنی و مخالفت مردم نسبت به وی شد و ناسزاهای بسیاری را نسبت به وی روا داشتند تا اینکه در سال ۶۵۸ او را به قتل رساندند.

آثار وی

از حافظ گنجی شافعی دو کتاب به جای مانده است :

الف \_ کفایه الطالب فی مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام این کتاب از منابع ارزشمند و مهم در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام است و حاوی احادیث صحیح و مورد اعتماد بوده و از هرگونه حدیث ضعیف یا راوی متهم بدور است. این کتاب ابتدا در مصر و سپس در نجف به چاپ رسیده است.

ب \_ البیان فی اخبار صاحب الزمان. [ که کتاب حاضر، ترجمه آن می باشد. ] این کتاب در آخر کتاب کفایه الطالب نیز چاپ شده است.

منابع شرح حال حافظ گنجی

نام منابع شرح حال حافظ گنجی در مقدمه کتاب کفایه الطالب آمده است. در میان این منابع، نام کتاب های فصول المهمه ابن صباغ مالکی و کتاب ینابیع الموده شیخ سلیمان قندوزی از اهل سنت و بحارالانوار مجلسی و الغدیر (ج ۱) علامه امینی و اثبات الهداه شیخ حر عاملی (ج ۷) قابل توجه می باشند.

و اینک ترجمه بیست و پنج باب کتاب که درباره حضرت ولی عصر \_ عج الله تعالی فرجه الشریف \_ می باشد را آغاز می نمایم، به امید آن که مورد قبول آن حضرت علیه السلام واقع شود.

توضیح برخی اصطلاحات حدیث

## ۱\_ حدیث متواتر \_ آحاد

نقل عده ای که اتفاق آنان بر کذب محال بوده و موجب علم به مضمون حدیث باشد، حدیث متواتر نام دارد، عکس آن حدیث آحاد است که فقط یک یا چند نفر آن را نقل کرده و موجب علم به مضمون خبر نخواهد بود.

## ۲\_ حدیث صحیح

خبری که توسط رجال موثق \_ (از نظر شیعه اسامی مذهب) \_ به معصوم منتقل گردد. صحیح نام دارد.

## ۳\_ حدیث حسن

ص: ۸

از نظر شیعه، حدیثی که رجال آن تماماً اسامی مذهب و ممدوح باشند هرچند تخصیص بر عدالت آنها نشده باشد، حسن نامیده می شود. و از نظر اهل سنت، حدیثی که سلسله سند آن از لحاظ وقاهت نزدیک به درجه صحیح باشد، حسن گوییم.

#### ۴\_ حدیث موثق

حدیثی که کلیه ناقلین آنها تنصیص به توفیق شده باشد، هرچند غیر امامی باشد، آن را موثق گویند. این اصطلاح خصوصی شیعه است.

#### ۵\_ حدیث ضعیف

از نظر اهل سنت، حدیثی که صحیح و حسن نباشد، ضعیف است، از نظر شیعه، حدیثی که شرایط یکی از اقسام نامبرده را نداشته باشد ضعیف است.

## «باب اول»

«ذکر خروج آن حضرت در آخرالزمان»

سید نقیب، سفیر خلافت، پرچم هدایت، تاج امیران آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم ابوالفتوح مرتضی بن احمد حبیب از سفیان بن عیینه از علی هلالی از پدرش:

آنگاه که پیامبر بیمار بودند به محضر آن حضرت شرفیاب شدم (۱)، فاطمه علیها السلام بالای سر ایشان، آنقدر گریست که صدایش

بلند شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نگاه خود را به سوی فاطمه علیها السلام برگرداند و فرمود: «عزیز من فاطمه چرا گریه می کنی؟» فاطمه علیها السلام عرض کرد: «از (امت و از میان رفتن اسلام) پس از شما می ترسم.» پیامبر فرمود: «عزیز من، آیا نمی دانی که خداوند متعال چون به زمین نگریست از میان اهل زمین پدرت را برگزید و او را به رسالت

انتخاب کرد سپس بار دیگر نظر کرد و همسرت را برگزید، و به من وحی کرد که تو را به عقد او در آورم. ای فاطمه علیها السلام خداوند به ما اهل بیت، هفت ویژگی عنایت کرده که به احدی پیش از ما و پس از ما عنایت نفرموده است [ و آن ویژگی ها عبارتند از اینکه ]: من خاتم انبیاء و گرامی ترین پیامبران و محبوب ترین مخلوقات نزد خداوند هستم، و من پدرت

ص: ۹

---

۱- و این همان بیماری ای بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از آن رحلت کردند.

هستم، و وصی من بهترین اوصیاء و محبوب ترین ایشان نزد خداوند است او همان همسر توست و از خاندان ماست. آن که با دو بال سبز رنگ همراه ملائک در بهشت هرجا بخواهد پرواز می کند و او پسر عموی پدر و برادر همسر توست، و از ماست دو سبط این امت که دو فرزند تو حسن علیه السلام و حسین علیه السلام اند که سرور جوانان اهل بهشتند. قسم به کسی که مرا به حق مبعوث فرمود پدر آن دو بهتر از آن دو می باشد. ای فاطمه علیها السلام قسم به آن که مرا به حق مبعوث فرمود از نسل این دو، مهدی این امت خواهد بود، آن هنگام که آشوب دنیا را فرامی گیرد و فتنه ها ظهور می کند و راهها تکه تکه می گردند و گروهی به گروهی دیگر حمله ور می شوند، نه بزرگ به کوچک رحم می کند و نه کوچک به بزرگ احترام می گذارد، در این هنگام خداوند از نسل این دو کسی را برمی انگیزد که قلعه های گمراهی و قلب های بسته شده را باز می کند، و در آخرالزمان دین را برپا می دارد، همانطور که من در اول الزمان برپاداشتم و دنیا را از عدالت پر می کند همانطور که از جور و ستم پر شده است. ای فاطمه علیها السلام اندوهگین مباش و گریه مکن که خداوند به تو مهربان تر و رحیم تر از من است و این به جهت جایگاهی است که نزد من و در قلب من داری، و تو را به تزویج مردی درآورد که در حسب و نسب و مقام و منصب شریف ترین و بزرگوارترین مردان خاندان توست، و او کسی است که به مردم از همه مهربان تر و از همه کس عادل تر و نسبت به قضایا آگاه ترین است. و از خداوند خواسته ام که تو اول کسی باشی که از اهل بیت من به من ملحق می شوی.»

علی علیه السلام فرمود: «چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رحلت فرمود، فاطمه علیها السلام بیش از هفتاد و پنج روز پس از آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در دنیا نماند و خداوند او را به رسولش صلی الله علیه و آله و سلم ملحق کرد.»

صاحب حلیه الاولیاء نیز در کتاب شرح حال خود در ذکر اوصاف مهدی علیه السلام این حدیث را آورده است. (۱)

حافظ احمد بن محمد بن هبه الله واسطی از عاصم بن بهدله از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «دنیا به پایان نمی رسد مگر آن که مردی از اهل بیت من که هم نام من است بر عرب حکومت کند.»

حافظ ابو عیسی (۲) می گوید: این حدیث حسن و صحیح است و

می گوید: از علی و ابوسعید و ام سلمه و ابوهریره نیز روایت شده است.

ابوالعباس بن ابی الکریم خثعمی عمر بن معمر بغدادی از سفیان بن عیینه عاصم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مردی از اهل بیت من که هم نام من است خواهد آمد.» (۳)

ص: ۱۰

عليه السلام» نامگذاری شده و چهل حدیث در آن جمع آوری شده است.

۲- مشکاه المصابیح / ۱۲۲، حلیه الاولیاء / ۵/۷۵، صحیح ترمذی / ۲/۳۶، مسند احمد بن حنبل / ۱/۳۷۶، تاریخ خطیب بغدادی

/ ۴/۳۸۸، کنز العمال / ۷/۱۸۸ و در آن آمده: طبرانی از قول ابن مسعود نقل کرده است، ینابیع الموده / ۵۲۰.

۳- صحیح ترمذی / ۲/۳۶.

عاصم گوید: صالح از ابوهریره نقل می کند که: (رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند که مردی از اهل بیت من می آید و برکوه دیلم و قسطنطنیه مالک می شود.»

این حدیث، صحیح است. و حافظ محمدبن عیسی ترمذی در جامع صحیح خود آن را آورده است. (۱)

علامه حسن بن محمدبن حسن لغوی که در نوشته خود به من، در دمشق نوشت و سپس او را در بغداد ملاقات کردم که گفت: نصر بن ابی الفرج حصری از سفیان \_ عاصم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «دنیا به پایان نمی رسد تا آن که مردی از اهل بیت من که هم نام من است بر عرب حکومت کند.» (۲)

این حدیث حسن و صحیح است، و ابوداود در سنن (۳) خود به

همین صورت که ما آوردیم آورده است. عثمان بن ابی شیبه از ابوالطفیل: علی علیه السلام فرمود: «رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اگر از روزگار جز یک روز باقی نماند خداوند مردی از اهل بیت مرا مبعوث می کند که زمین را از عدالت پر می کند، همان گونه که از جور و ستم پر شده است.» ابوداود در سنن (۴) خود به همین صورت آورده است.

حافظ ابراهیم بن محمدبن ازهر صریفینی از حافظ ابوالحسن محمدبن حسین بن ابراهیم بن عاصم الابری (۵) در کتاب مناقب

شافعی، این حدیث را ذکر می کند و در روایت خود علاوه بر آن این قسمت را می آورد که: «اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن روز را آنقدر طولانی می کند تا آن که مردی را از من یا از خاندان من که خودش هم نام من و پدرش هم نام پدر من است بر می انگیزد و او زمین را از عدل و داد پر می کند همانطور که از ظلم و ستم پر شده باشد.» (۶)

ترمذی این حدیث را ذکر کرده است. (۷) ولی این قسمت را

نیاورده است: «و نام پدر او نام پدر من است.» (۸) ابوداود آن را ذکر

ص: ۱۱

۱- حلیه الاولیاء ۵/۷۵، ینابیع الموده ۵۱۶/، الفصول المهمه ۲۷۸/.

۲- صحیح ترمذی ۲/۳۶/.

۳- سنن ابی داود ۲/۲۰۷/.

۴- سنن ابی داود ۲/۲۰۷/، ینابیع الموده ۵۱۹/، الفصول المهمه ۲۷۶/، مسند احمدبن حنبل ۱/۳۷۷/، ۴۳۰، ۴۴۸/.



- ۵- متوفای ۳۶۳، تذکره الحفاظ/ ۳/۱۵۵، الوافی/ ۲/۳۷۲، طبقاتالشافعیه ۲/۱۵۰، کشف الظنون/ ۲/۱۸۳۹، شذرات الذهب  
۳/۴۶/
- ۶- کنز العمال/ ۷/۱۸۸، ینایع الموده/ ۵۱۹، گوید: ابوداود و احمد و ترمذی و ابن ماجه آن را روایت کرده اند. ذخائر العقبی  
۱۳۶/
- ۷- صحیح ترمذی/ ۲/۳۶/
- ۸- سنن ابی داود/ ۲/۲۰۷/

کرده است در اکثر روایات حافظان و ثقات چنین آمده است: «نامش نام من است» و جمله «و نام پدرش نام پدر من است» که در برخی روایات آمده، زائد می باشد، بر فرض صحت، معنایش این است، نام پدرش حسین است که کنیه اش ابو عبدالله می باشد. کنایه از این که او از فرزندان حسین علیه السلام است نه حسن علیه السلام. و نیز احتمال دارد بدین معنا باشد: اسم پدرش اسم پسر من [ابنی] یعنی حسن علیه السلام است، زیرا نام پدر مهدی علیه السلام، حسن است. و راوی به اشتباه «ابنی» را «ابی» آورده، و برای آن که بین روایات جمع کرده باشیم باید یکی از این احتمالات را بپذیریم. و سخن آخر این که در این باره امام احمد ضمن محکم دانستن آن، این روایت را در چند موضع در مسند خود «و اسمه اسمی» آورده است.

علامه حجه العرب شیخ الشیوخ ابو محمد عبدالعزیز بن محمد بن عبدالمحسن انصاری از عبدالله بن احمد بن حنبل از عاصم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «دنیا نمی گذرد و یا به پایان نمی رسد مگر آن که مردی از اهل بیت من که هم نام من است بر عرب حکومت کند.» (1)

حافظ ابونعیم طرق این حدیث را از عدّه زیادی که همگی از عاصم بن ابی النجود و وی از زر و او از عبدالله و وی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده در کتاب (مناقب المهدی) جمع آوری کرده است.

## « باب دوم »

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام می باشد»

فقیه محمد بن اسماعیل مقدسی خطیب از ابویوب انصاری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیها السلام فرمود: «پیامبر ما بهترین پیامبران است که او پدر توست، و شهید ما بهترین شهداست و او عموی پدر تو حمزه است، و از ما کسی است که با دو بال در بهشت به هر کجا بخواهد پرواز می کند و او [جعفر طیار] پسر عموی پدر توست، و از ماست دو سبط این امت حسن و حسین و آن دو، پسران تو هستند، و از ماست مهدی.»

ابوطالب عبداللطيف بن قبيطى در بغداد \_ كه وى در ششم شعبان سال ۵۵۴ بدنيا آمدو در سه شنبه بعد از ظهر

ص:۱۲

---

۱- مسند احمد بن حنبل / ۱/۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۷، ۴۳۰، ۴۴۸، حليه الاولياء / ۵/۷۵ تاريخ بغداد / ۴/۳۸۸.

شانزدهم جمادی الآخر سال ۶۴۱ از دنیا رفت از سعید بن المسیب از ام سلمه: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: «مهدی از عترت من (و) از فرزندان فاطمه علیها السلام است.»

ابوداود گوید: عبدالله بن جعفر گفت و از ابوالملیح شنیدم که ابن نفیل را ثناء می کرد و از او بخوبی یاد می کرد.

این حدیث حسن و صحیح است، و حافظ ابوداود در سنن خود به همین شکل آورده است. (۱)

خطیب ابوتمام علی بن ابی الفخار محمد بن ابی منصور بن عبدالسمیع بن الوائق بالله از ابراهیم ابن محمد بن حنفیه از پدرش از علی علیه السلام فرمود: «رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مهدی از ما اهل بیت است که خداوند در یک شب امر (ظهور) او را اصلاح خواهد کرد.»

ابن ماجه نیز در سنن خود به همین صورت روایت کرده است، (۲)

و ابونعیم حافظ در مناقب المهدی، آن را آورده و طبرانی در معجم کبیر خود از قول عبد الرحمان بن حاتم از یاسین بن سیار نقل می کند ولی نمی گوید: «خدا امر او را در یک شب اصلاح خواهد کرد»، از انضمام این اسناد با یکدیگر و از تصریح حافظان در کتابهایشان به صحت این روایت قطع و یقین پیدا می کنیم.

## « باب سوم »

«مهدی علیه السلام از سروران و بزرگان اهل بهشت است»

معمر ابوطالب عبداللطیف بن محمد بن علی بن قیسی جوهری در بغداد از انس بن مالک از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: «ما فرزندان عبدالمطلب سروران و بزرگان اهل بهشت هستیم (یعنی: من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی.»

این حدیث صحیح است، حافظ ابن ماجه نیز در صحیح خود همانطور که ما آوردیم آن را آورده است، (۳) و

۱- سنن ابی داود / ۲/۲۰۷، سنن ابن ماجه / ۲/۳۹۶، المستدرک / ۴/۵۵۷، حلیه الاولیاء / ۳/۱۷۷، مسند احمد بن حنبل / ۱/۸۴ و ج ۳/۳۶، اسد الغابه / ۱/۲۵۹، کنز العمال / ۷/۱۸۶ و گوید: طبرانی آن را آورده است. الستیعاب / ۱/۸۵، الصواعق المحرقة / ۹۸، با اسناد گوناگون.

۲- سنن ابن ماجه / ۲/۲۶۹، حلیه الاولیاء / ۳/۱۷۷، مسند احمد بن حنبل / ۱/۸۴ ذخائر العقبی / ۱۷ و گوید: ابوحاتم بن حبان آن را آورده است، مستدرک الصحیحین / ۴/۵۵۷، الاصابه / ۷/۳۰، کنز العمال / ۷/۱۸۶ و ۲۶۳، مجمع الزوائد / ۷/۳۱۶، حلیه الاولیاء / ۳/۱۸۴.

۳- سنن ابن ماجه قزوین / ۲/۲۶۹، مستدرک الصحیحین / ۳/۲۱۱، الرياضا للنضره / ۲/۲۰۹، الصواعق المحرقة / ۹۶، ۱۴۰، تاریخ بغداد / ۹/۴۳۴، و در آن آمده: «ما هفت نفر فرزندان عبدالمطلب سید و سرور اهل بهشتیم.»

جعفر بن عمر صباح از سعد بن عبدالحمید، و حافظ ابو نعیم در مناقب مهدی به طرق مختلف آورده است.

### « باب چهارم »

«دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر بیعت با مهدی علیه السلام»

ابو تمام علی بن ابی الفخار هاشمی از ابواسماء الرحبی از ثوبان: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «نزد گنج (۱) شما سه تن یکدیگر را می کشند

که همه فرزندان خلیفه می باشند و بعد از آنها آن منصب به هیچ یک از ایشان نمی رسد، تا آنگاه که [لشکریانی با] پرچم های سیاه از سمت مشرق پدید آید و آنان را به گونه ای به قتل برسانند که هیچ قومی را بدان وضع نکشته باشند» \_ سپس راوی چیزی گفت که من حفظ نکردم \_ آنگاه فرمود: «چون او را دیدید با او بیعت کنید، هرچند با رفتن از روی برف باشد، زیرا او مهدی خلیفه خداست.»

این حدیث حسن و صحیح است، حافظ ابن ماجه قزوینی در سنن (۲) خود به همین شکل آن را آورده است.

حافظ یوسف در حلب از ابوسماء از ثوبان: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «در نزد گنج (۳) شما سه نفر با هم می جنگند آن گاه خلیفه خدا

مهدی می آید، پس چون [ آمدن ] او را شنیدید نزد او بروید که او خلیفه خداوند مهدی است. (۴)

خارج می شوند. یا مراد از گنج، محضر حضرت ولی عصر (عج) باشد [یعنی حضور را غیر از ظهور بدانیم که خود گنج دیگری است]. و یا ممکن است مراد سرزمین های خاصی مانند عراقیا حجاز باشد که گنجهایی از جمله نفت و معادن ارزشمند دیگری در آنها وجود دارد. (مترجم)

۲- سنن ابن ماجه / ۲/۲۶۹، المستدرک / ۴/۴۶۳، تلخیص المستدرک / ۴/۴۶۳.

۳- مسند احمد بن حنبل / ۵/۲۷۷.

۴- بسیاری از احادیث علائم ظهور مهدی علیه السلام دارای ابهاماتی می باشد که شاید مفاهیم آنها را نتوان روشن نمود آنچه مهم است نتیجه مأخوذ از این روایات است که حاکی از یک واقعت مشترک بین مسلمانان است و آن ظهور قطعی مردی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله برای پایان بخشیدن به ظلم ها و تحقق اسلام محمدی است. (ویراستار)

عبدالعزیز بن مختار این حدیث را از قول خالد الحذاء نقل می کند با این تفاوت که او در حدیث خود می گوید: [لشکریانی با] پرچم های سیاه از طرف مشرق می آیند، گوئی که قلبهایشان از تکه های آهن است. پس هر که خبر ایشان را بشنود باید نزد آنها برود ولو با راه رفتن بر روی یخ باشد. آنها به شهر دمشق وارد شوند و سنگ سنگ آنها را خراب کنند در آنجا فرزندان [پیروان] پادشاهان را به قتل رسانند...

حافظ ابو نعیم این حدیث را در مناقب المهدی علیه السلام از قول طبرانی نقل می کند. و به حمد و لطف الهی این روایت از طریق عالی روزی ما گشت.

## « باب پنجم »

« اهل مشرق زمین مهدی علیه السلام رایاری می کنند »

ابوطالب عبداللطیف بن محمد بن علی بن حمزه جوهری از عبدالله بن الحرث ابن جزء الزبیدی: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: « مردمانی از مشرق خارج شوند که به [ فرمان ] مهدی علیه السلام یعنی به حکومت او گردن می نهند. »

این حدیث حسن و صحیح است که راویان ثقه آن را روایت کرده اند، حافظ ابو عبدالله بن ماجه قزوینی در سنن (1) خود آن را به

همین شکل که ما آوردیم، آورده است.

علامه حسن بن محمد بن حسن لغوی از علقمه از عبدالله: در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودیم که جوانانی از بنی هاشم آمدند، چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را دید، چشمهایش پر از اشک شد و رنگ آن حضرت تغییر کرد. عرض کردم: در چهره شما امری ناخوشایند می بینم. فرمود: « خداوند برای ما اهل بیت، آخرت را بر دنیا برگزید، و اهل بیت من پس از من، بلا- و سختی و آوارگی متحمل می شوند تا آن که قومی از مشرق زمین همراه پرچمهای سیاه می آیند آنها طلب خیر می کنند، اما به آنها داده نمی شود، پس به مبارزه بر می خیزند و پیروز می شوند هر چه بخواهند به آنها داده می شود، اما ایشان نمی پذیرند، تا آنکه آن پرچم ها را به مردی از اهل بیت می دهند که زمین را همانطور که از جور و ستم پر شده از عدل و داد پر می کند. هر که آن زمان را درک کرد به سوی آنها بشتابد ولو در زیر پایش یخ



---

١- سنن ابن ماجه / ٢/٢٧٠، مجمع الزوائد / ٧/٣١٨.

و ابن اعثم کوفی در کتاب «الفتوح» خود از امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود: «آه از طالقان (۲)، که خداوند \_

عزوجل \_ در آنجا گنجینه هائی قراردادده که از جنس طلا و نقره نیستند، بلکه مردان با ایمانی هستند که خداوند را آنچنان که شایسته است می شناسند و ایشان یاران مهدی علیه السلام در آخرالزمان می باشند.»

### «باب ششم»

«زمان حکومت آن حضرت پس از ظهور»

احمد بن محمد بن هبه الله حافظ از زید العمی: از ابوصدیق ناجی شنیدم که از قول ابوسعید خدری می گفت: در هراس بودیم که پس از پیامبرمان چه اتفاقی خواهد افتاد، لذا از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدیم آن حضرت فرمود: «در امت من مهدی علیه السلام است، خروج می کند و پنج یا هفت یا نه [شک کننده به آن افزوده] زندگی خواهد کرد.» پرسیدیم: این اعداد چیست؟ فرمود: «سال است، پس اگر در آن زمان مردی بیاید و بگوید: ای مهدی، به من عنایت کن، به من عنایت کن، در پاسخ آن تا جائی که آن مرد توان حمل داشته باشد به او عطا خواهند کرد.»

حافظ ترمذی می گوید: این حدیث حسن است (۳) از ابوسعید نیز

به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است.

ابوصدیق ناجی، نامش بکر بن عمرو است. بکر بن قیس. دو امام بخاری و مسلم در روایت از او و احتجاج به روایاتش اتفاق نظر دارند.

عده ای از تابعین از جمله معاویه بن قره، و مطربن طهمان الوارق و العلاء بن بشر و زید العمی و عوف اعرابی و

۱- المستدرک / ۴/۴۶۴ با سند خود از علقمه از عبدالله با اندکی تفاوت و اضافه تلخیص المستدرک / ۴/۴۶۴، مسند احمد بن حنبل / ۵/۵۷۷، طبقات ابن سعد / ۴/۴.

۲- تطبیق نام مکانها، با توجه به وسعت و گستردگی کشورها، امری مشکلاست و نمی توان قاطعانه در مورد آن اظهار نظر نمود. (ویراستار)

۳- صحیح ترمذی / ۲/۳۶ مسند احمد بن حنبل / ۳/۲۱.

حدیث را از او روایت می کنند، و از میان ایشان معاویه بن قره مزنی سیاقش بهتر و الفاظش کاملتر و فواید و اوصاف و توصیفاتش بیشتر است.

حافظ یوسف \_ ابن ابی زید از ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «پیش از ظهور مهدی (بلائی به این امت می رسد که هیچکس پناهی برای فرار از ستم (ستمگران) نمی یابد، در این زمان است که خداوند مردی از عترتم را مبعوث می کند که زمین را از عدل و داد پر می کند همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است، (با ظهور او) ساکنان آسمان و زمین از حضور او راضی و خشنود می شوند، آسمان هیچ قطره ای را و زمین هیچ گیاهی را در خود نگه نمی دارد مگر آنکه آنرا خارج می کند، تا جائی که مردگان آرزو می کنند ای کاش زنده می شدند. و او هفت یا هشت سال در چنین وضعی زندگی می کند.» (۲)

طبرانی در معجم خود و حافظ ابونعیم از قول او در مناقب المهدی به همین صورت آورده اند.

ابوطالب عبداللطیف بن محمد بن علی بن حمزه جوهری از ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: (۳) «در امت من مهدی

خواهد بود، هفت سال یا نه سال حکومت خواهد کرد. در زمان او امت من در نعمتی به سر می برند که هرگز مثل آن را ندیده اند، زمین، خوردنی های خود را بیرون می ریزد، و چیزی را ذخیره نمی کند مال در آن زمان فراوان و انبوه می شود. مردی برمی خیزد و می گوید: ای مهدی به من عنایتی فرما. و او می گوید: بگیر. (۴)

حسن بن محمد بن حسن لغوی از ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گوید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «به هنگام مرگ خلیفه (۵) اختلافی رخ

ص: ۱۷

۱- احادیث این راویان را از طرق صحیح و ثابت در این منابع می یابیم. صحیح ترمذی / ۲/۳۶، مسند احمد بن حنبل / ۳/۲۱، صحیح ابوداود / ۲۷/۱۳۶، مجمع الزوائد / ۷/۳۱۵، ۳۱۷، مستدرک الصحیحین / ۴/۵۵۴، ۵۵۷، ۴۶۵، کنز العمال / ۷/۱۸۹، الصواعق المحرقة / ۹۸، فضائل الخمسه / ۳/۳۳۳.

۲- مستدرک الصحیحین / ۴/۴۶۵، مسند احمد بن حنبل / ۳/۲۶ با اختصارینابیع الموده / ۵۱۷.

۳- یکون فی امتی المهدی ان قصر فسیع و الّا فتسع، تنعم فیہ امتی نعمهمو مثلها قط، توتی الارض اکلها و لا تدخر منه

شیئا، و المال یومئذ کدوس یقوم الرجل فیقول یا مهدی اعطنی فیقول: خذ.

۴- سنن ابن ماجه ۲/۲۶۹، مستدرک الصحیحین ۴/۵۵۸، کنز العمال ۷/۱۸۹ و در آن آمده: دارقطنی در کتاب الافراد و طبرانی در کتاب الاوسط از قول ابوهریره از ابوسعید آورده اند، ینابیع الموده ۵۲۱/.

۵- با توجه به گستردگی سرزمین های اسلامی، زماناً و مکاناً، نمی توان برداشت دقیقی داشت که نظر پیامبر در مورد چه زمانی از تاریخ است و در کدام مکان اتفاق خواهد افتاد. در اینجا نیز منظور از «خلیفه» و نحوه برخورد او، اظهار نظر نمی توان کرد. (ویراستار)

می دهد آن گاه مردی از اهل مدینه خروج می کند و به مکه می آید، و سپس عده ای از اهل مکه نزد او می آیند و او را [ از مخفیگاه ] خارج می کنند و در حالی که خود او ناخشنود است میان رکن و مقام با او بیعت می کنند و لشکری از شام برای دستگیری او فرستاده می شود که در سرزمین «البیداء» که میان مکه و مدینه واقع است فرو می روند و چون مردمان او را می بینند عده ای از شام و گروههایی از اهل عراق نزد وی می روند و با او بیعت می کنند، (۱) سپس مردی از قریش که دایی های او

از کلب (۲) هستند، عده ای را به سوی ایشان گسیل می کند و آنها بر ایشان

چیره می شوند، و ناکام کسی است که از غنیمت (قبیله) کلب محروم ماند (۳) پس مال را تقسیم میکنند و در میان مردم بر اساس سنت

پیامبرشان صلی الله علیه و آله و سلم عمل می کند و اسلام را در زمین مستقر می سازد و هفت سال زمان حکومتش به طول می انجامد. (۴)

هارون بن عبدالله گوید: عبدالصمد از قول همام و وی از قول قتاده این حدیث را نقل می کند و می گوید: نه سال.

ابوداود گوید: و غیر معاذ از قول هشام می گوید: نه سال.

این سیاق حافظانی مانند ترمذی و ابن ماجه قزوینی و ابوداود است. (۵)

حافظ یوسف از هیثم بن عبد الرحمان: علی علیه السلام فرمود: «مهدی علیه السلام چهل سال بر مردم حکومت می کند.» (۶)

حافظ ابونعیم این حدیث را در مناقب المهدی علیه السلام از قول طبرانی نقل و طرق وی را جمع آوری می کند. و در روایتی از جراح از ارطاه آمده است که: مهدی علیه السلام [به هنگام ظهور] حدود شصت ساله بوده و چهل سال [پس از ظهور] زندگی می کند.

۱- «و یلقى الاسلام بجرانه»، الجران: جلوی گردن شتر و ضرب الاسلام بجرانه: اسلام را ثابت و مستقر کرد.

۲- شاید مراد آن است که از قبیله «کلب» هستند. (مترجم)

۳- یا به معنی: بیچاره کسی که موقع تقسیم غنائم آنها حاضر نباشد.

۴- سنن ابی داود ۲/۲۰۸، مجمع الزوائد ۷/۳۱۴.

۵- سنن ابی داود ۲/۲۰۸، مشکاه المصابیح ۱۲۲/.

۶- کنز العمال ۷/۲۶۱.

«مهدی علیه السلام پیشاپیش حضرت عیسی علیه السلام نماز می گزارد»

حافظ ابوالحسن محمدبن ابی جعفر احمدبن علی قرطبی از نافع خادم ابوقتاده انصاری \_ ابوهریره: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «چگونه خواهید بود آن گاه که پسر مریم در میان شما فرود خواهد آمد و امام جماعت شما از خود شما (مهدی) خواهد بود.»

این حدیث حسن و صحیح است. از ناقلین آن محمدبن شهاب زهری است که بر صحت آن اتفاق نظر است این حدیث را بخاری و مسلم در صحیح خود به همین صورت که ما آوردیم، آورده اند. (۱)

حافظ ابو عبدالله محمد بن محمود بغدادی از جابر بن عبدالله: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: «همواره گروهی از امت من بر محور حق و به طور آشکار تا روز قیامت با دشمن می جنگند و چون [مهدی علیه السلام ظهور کند] عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود می آید. آنگاه امیر آن گروه [یعنی مهدی علیه السلام] ب حضرت عیسی علیه السلام می گوید: جلو بیایید و نماز بگزارید، و عیسی علیه السلام در جواب می گوید: خیر، همانا برخی از شما بر برخی دیگر امیر و حاکم هستید. و این لطفی است که خداوند نصیب این امت کرده است.» (۲)

این حدیث حسن و صحیح است که مسلم در صحیح خود نیز به همین شکل آورده است. (۳)

این حدیث صراحت بر این مطلب دارد که عیسی علیه السلام علیرغم پیامبر بودن امیر مسلمانان را که در آن زمان مهدی علیه السلام است بر خود مقدم میدارد.

نقیب النقباء و فخر آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم حسنی از حدیفته: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «آن هنگام که عیسی علیه السلام نازل شود گوئی از مویش آب وضو می چکد، مهدی به سوی او متوجه شده و می گوید: جلو بیایید و برای مردم نماز بگزارید، اما عیسی علیه السلام می گوید: همانا نماز به امامت شما به پا می شود، پس عیسی علیه السلام پشت سر مردی از فرزندان من نماز می گزارد، و چون نماز گزارد عیسی علیه السلام، برمی خیزد تا در مقام بنشیند و با او بیعت کند مهدی علیه السلام چهل سال [پس از ظهور] زندگی می کند.»

نشانه های ظهور آن حضرت علیه السلام: خروج دجال است، آنگاه نزول عیسی علیه السلام است. و نشانه دیگر آتشی است



- 
- ۱- صحیح البخاری / ۴/۱۴۳، صحیح مسلم ۱/۱۵۴، کتاب الایمان، مسند احمد بن حنبل / ۲/۳۳۶، ینابیع الموده / ۵۱۸.
  - ۲- در نسخه ای دیگر آمده: «ان بعضکم علی بعض امیر لیکرم الله هذها لامه.»
  - ۳- صحیح مسلم / ۱/۵۵، مسند احمد بن حنبل / ۳/۳۴۵ و در ج / ۳/ ۳۸۴ از طرق دیگری آن را روایت کرده است.

دریای عدن خارج می شود و مردم را به سوی محشر سوق می دهد.

ابونعیم به همین صورت در مناقب المهدی (عج) آورده است. (۱)

اگر کسی بگوید: اگر این اخبار صحیح باشد که عیسی علیه السلام پشت سر مهدی علیه السلام نماز می گزارد و در رکاب او جهاد می کند و دجال را در برابر مهدی علیه السلام [یا در زمان آن حضرت علیه السلام] به قتل می رساند، و نیز از طرفی رتبه تقدم در نماز و تقدم در جهاد نیز مشخص است، باید دید که آیا در آن نماز و جهاد، عیسی علیه السلام که پیامبر است برتر است یا مهدی علیه السلام که امام است؟

پاسخ آن است که: این دو بزرگوار هر دو الگو و پیشوا هستند یکی پیامبر است و دیگری امام، هرگاه باهم اجتماع کنند یکی رهبر دیگری خواهد بود و این امام است که در این حال رهبر خواهد بود (۲) و ملامت

ملامتگران هیچ یک از این دو را از هدف خود باز نمی دارد، و از طرفی هر دو از ارتکاب تمامی گناهان از جمله ریا و نفاق و سازش با دشمن معصومند و می داند چیزی نمی تواند ایشان را به انجام فعلی خارج از حکم شریعت که خواست خداوند و رسولش می باشد وادار کند. و اگر امر چنین باشد پس امام افضل از ماموم است زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «امامت مردم را کسی باید برعهده بگیرد که نسبت به کتاب خدا قرائتش بهتر باشد، اگر در قرائت مساوی بودند هر کس که عالم تر است و اگر در علم هم مساوی بودند هر کدام فقیه تر باشد و اگر در آن هم برابر بودند هر کدام در هجرت مقدم تر بودند، و اگر در این امر هم مساوی بودند هر کدام خوش سیماتر باشد.»

اگر چنانچه امام بداند که عیسی علیه السلام برتر از اوست جایز نخواهد بود که بر او مقدم گردد زیرا به احکام شریعت آگاه و از ارتکاب هر مکروهی مبرا می باشد. و نیز اگر عیسی علیه السلام بداند که از مهدی علیه السلام بالاتر است جایز نیست که به او اقتدا کند زیرا خداوند انبیاء را از ریا و نفاق و گذشت [بی جا] منزّه داشته است، پس اگر برای امام علیه السلام محقق گشت که عالم تر از عیسی علیه السلام است می تواند بر او مقدم شود اما چون برای عیسی علیه السلام یقین حاصل می شود که امام علیه السلام از او عالم تر است بنابراین او را بر خود مقدم، و پشت سر او نماز می گزارد، که در غیر این صورت اقتدا به امام برای او جایز نخواهد بود. این از نظر فضل و برتری در نماز؛ اما جهاد، جانفشانی در کنار کسی است که به خدا اشتیاق دارد و اگر چنین نبود برای احدی جهاد در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و غیر ایشان صحیح نبود. و دلیل بر صحت گفتار ما، قول خداوند سبحان است که می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ... وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) (۳) و چون امام، جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان

ص: ۲۰

- ۲- مشابه این مطلب در زمان هائی که دو پیامبر در یک زمان حضورداشتند (مانند حضرت یعقوب و حضرت یوسف) یکی از آن دو نفر بر دیگری ولایت دارد و در زمان ظهور امام زمان علیه السلام بر عیسی ولایت خواهد داشت. (ویراستار)
- ۳- توبه (۹): آیه ۱۱۱، یعنی: خداوند از مومنان، جانها و اموالشان را خریداری کرده که بهشت برای ایشان است، در راه خدا جنگ می کنند، می کشند و کشته می شوند، این وعده حقی است که در تورات و انجیل و قرآن آمده است، و چه کسی از خدا به عهد خود با وفاتر است؟ پس بشارت باد به تجارتي که کرده اید و این همان رستگاری عظیم است.

امتش می باشد و برای عیسی علیه السلام جایز نیست که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیشی گیرد همانطور نیز جایز نیست که بر جانشین او سبقت و پیشی گیرد. و آنچه مؤید این سخن است روایتی است که حافظ ابو عبد الله محمد بن یزید بن ماجه قزوینی در سنن خود در حدیثی طولانی در نزول عیسی علیه السلام آورده که از آن جمله این است: ام شریک دختر ابوالعکر عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرب در آن روز کجایند؟ فرمود: «ایشان در آن روز اندکند و اکثر آنها [یاران مهدی علیه السلام] در بیت المقدس می باشند، و امام آنها چون قصد می کند نماز صبح را به جماعت بخواند ناگهان عیسی بن مریم علیه السلام نازل می شود، پس آن امام عقب می رود تا عیسی علیه السلام مقدم شود، اما عیسی علیه السلام دست خود را میان دو کتف او می گذارد و می گوید: شما جلو روید (و نماز را امامت کنید).»

این حدیث صحیح و ثابت است و ابن ماجه آن را در کتاب خود از قول (۱) ابوامامه باهلی آورده است.

حافظ یوسف در حلب از ابوسعید خدری: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «از ما کسی است که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر او نماز می گزارد.» (۲)

حافظ ابونعیم در کتاب مناقب المهدی علیه السلام نیز همین را آورده است، و کتاب او اصل است.

## «باب هشتم»

«پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مهدی علیه السلام را توصیف می کند.»

حسن بن محمد بن حسن لغوی از ابوسعید خدری: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی علیه السلام از من است، در پیشانی اش موی اندکی است (۳) و بینی اش بلند و کشیده است، (۴) زمین را همانگونه که از جور

و ستم پرشده از قسط و عدل پر می کند و هفت سال (بر مردم) حکومت می کند.»

ص: ۲۱

۲- کنز العمال / ۷/۱۸۷، فیض القدير / ۶/۱۷، ینابیع الموده / ۵۱۸.

۳- أجلی الجبهه: الذی انحسر الشعر عن جبهته، الخفیف العشر: کسیکه موی اندکی در پیشانی دارد.

۴- فلانُ أَقْنَى الأنف: وسط بینی او برآمده و سوراخهای آن تنگ می باشد.

این حدیث ثابت حسن و صحیح است و حافظ ابوداود سجستانی در صحیح خود آورده است. (۱) و حافظانی غیر او مانند طبرانی و

دیگران نیز این حدیث را آورده اند.

ابن شیرویه دیلمی در کتاب «الفردوس» در باب «الالف و اللام» با اسناد خود از ابن عباس چنین آورده است: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی طاووس اهل بهشت است.» (۲) و نیز با اسناد خود از حذیفه بن

الیمان می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی از فرزندان من است، صورتش چون ماه درخشان است، (۳) رنگ بدنش عربی و اندامش

اسرائیلی است (۴) اهل آسمان ها و زمین و پرندگان آسمان از خلافت [ و

حکومت ] او خوشنودند، او بیست سال حکومت می کند. (۵)

## « باب نهم »

«پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تصریح می کنند که مهدی علیه السلام از فرزندان حسین علیه السلام است»

حافظ ابوالحجاج یوسف بن خلیل بن عبدالله دمشقی از ابوهارون عبدی: نزد ابوسعید خدری آمدم و از او پرسیدم: آیا در جنگ بدر حاضر بودی؟ گفت: آری، گفتم: آیا میتوانی آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره فضائل علی علیه السلام شنیده ای برایم بازگو کنی؟ گفت: آری. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به بیماری ای دچار شد. دخترش فاطمه علیها السلام برای عیادت آن حضرت آمد. من در سمت راست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودم، فاطمه چون ضعف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دید چنان گریست که اشکهایش روان شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «فاطمه چرا می گریی؟ مگر نمی دانی که خداوند به زمین نگریست و پدرت را از میان اهل زمین برگزید و او را پیامبر قرار داد، و بار دیگر به زمین عنایت کرد و همسرت را انتخاب نمود. به

- 
- ۱- سنن ابی داود ۲/۲۰۸، المستدرک ۴/۵۵۷، مجمع الزوائد ۷/۳۱۴، مسند احمد بن حنبل ۳/۱۷، ینابیع الموده ۵۱۷، ۵۲۰.
  - ۲- کنوز الحقائق ۱۵۲.
  - ۳- در این نسخه: یرضی بخلافته اهل السماوات و الارض آمده و در نسخه ای دیگر: یرضی بخلافته اهل السماء و اهل الارض.
  - ۴- بنی اسرائیل به قوی هیکل بودن و بلند قد و رشید شهرت داشته اند.
  - ۵- الصواعق المحرقة ۹۸، ینابیع الموده ۵۲۰.

من وحی کرد که تو را به عقد علی در آورم و او را وصی خود قرار دادم. آیا نمی دانی که به جهت کرامتی که خداوند برای پدرت قائل شد تو را به عقد عالم ترین و بردبارترین مردم و مقدم ترین آنها در قبول اسلام در آورد؟» پس فاطمه علیها السلام لبخندی زد و شادمان شد. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای آن که بر خیری که خداوند به محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم عنایت فرموده، بیفزاید فرمود: «ای فاطمه، علی هشت ویژگی دارد: ایمان به خدا، و رسولش، حکمتش، همسرش، و دو فرزندش حسن علیه السلام، و حسین علیه السلام و امر به معروف، و نهی از منکرش. ای فاطمه ما خاندانی هستیم که به ما شش خصلت داده شده که به احدی از اولین داده نشده است، و هیچیک از مردم آخرالزمان جز ما اهل بیت آن را درک نمی کند، پیامبر ما بهترین پیامبران است که او پدر توست، و وصی ما بهترین اوصیاء است و او شوهر توست و شهید ما بهترین شهیدان است و او حمزه عموی پدر توست و دو سبط این امت از ماست که پسران تو هستند، و از ماست مهدی این امت که عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می گزارد.» سپس دست خود را به دوش حسین علیه السلام زد و فرمود: «مهدی این امت از نسل این پسر است.»

دارقطنی صاحب جرح و تعدیل نیز به همین صورت آورده است. (۱)

## « باب دهم »

« کرم مهدی علیه السلام »

حافظ ابوالحسن محمدبن ابی جعفر احمدبن علی قرطبی از ابونضیره: نزد جابر بن عبدالله بودیم، وی گفت: روزی بیاید که نزد اهل عراق بیش از یک پیمانانه خوراکی و یک درهم نباشد. گفتیم: چرا چنین خواهد شد؟ گفت: زیرا عجم، ایشان را مانع می شوند، سپس گفت: روزی بیاید که نزد اهل شام بیش از یک دینار و یک مد (۲) خوراکی

نباشد. پرسیدیم: چرا؟ گفت: حکومت روم با آنها چنین کند. آنگاه کمی سکوت کرد و گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: «سرانجام در میان امت من خلیفه ای خواهد آمد که آنقدر به مردم مال و ثروت دهد که از شماره



- ۱- ذخائرالعقبی ۴۴/، مجمع الزوائد ۹/۱۶۶، و گوید: طبرانی آن را در کتاب الصغیر خود آورده است، مرقاه المفاتیح ۵/۶۰۲ و نیز ذخائرالعقبی باسندی دیگر صفحه ۱۳۵.
- ۲- مُد: پیمانہ ای است به اندازه دو رطل نزد اهل عراق.

بیرون باشد.» گوید: به ابونضره و ابوالعلاء گفتم: فکر می کنید که مراد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عمر بن عبدالعزیز بوده است؟ گفتند: خیر.

این حدیث حسن و صحیح است که مسلم به همین صورت در صحیح خود آورده است. (۱)

ابراهیم بن برکات بن ابراهیم قرشی خشوعی از ابوسعید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «از میان خلفای شما خلیفه ای خواهد بود که مال و ثروت را آنچنان توزیع می کند که قابل شمارش نباشد. (۲)»

این حدیث حسن، ثابت و صحیح است و حافظ مسلم در صحیح خود به همین صورت آورده است. (۳)

حافظ علامه مفتی شام ابوعمر و عثمان بن عبدالرحمان بن عثمان مشهور به ابوالصلاح از ابوسعید \_ جابر بن عبدالله: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «در آخر الزمان خلیفه ای خواهد بود که ثروت را تقسیم می کند و قابل شمارش نیست.»

این عبارت در صحیح خود می باشد. (۴)

از ابوسعید خدری: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «شما را به مهدی بشارت می دهم که زمانی که مردم با هم نزاع داشته و اوضاع متزلزل گردد در میان امت من برانگیخته خواهد شد. زمین را همانگونه که از ظلم و ستم پر شده، از داد و عدل پر می کند، ساکنان آسمان و زمین از او راضی و خشنود می شوند، مال را بطور صحیح [ میان مردم ] تقسیم می کند.» پرسیدند: مراد از تقسیم صحیح چیست؟ فرمود: «یعنی بطور مساوی میان مردم تقسیم می کند. و خداوند قلوب امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را از غنا و بی نیازی پر می کند و سایه عدل او همگان را فرا می گیرد تا آن که: چه کسی به مال نیازمند است؟ در آن میان هیچ کس بلند نمی شود مگر یکنفر و می گوید: من. پس [ اعلان کننده ] می گوید: نزد خزانه دار برو و به او بگو: مهدی به تو امر کرده که به من مال و ثروت بدهی، آن مرد چون نزد خزانه دار می رود مال فراوانی دریافت می کند بطوری که از حمل آن عاجز می شود و از کار خود پشیمان می گردد و [ به خود ] می گوید: من از همه امت محمد قوی تر هستم، با این وصف از بردن این پولها ناتوان می باشم. پس آن مال را باز می گرداند اما خزانه دار آن را نمی پذیرد و می گوید: ما چیزی را که به کسی بدهیم پس نمی گیریم. و تا هفت یا

ص: ۲۴

۱- شرح صحیح مسلم للنووی / ۱۸/۳۸، مجمع الزوائد / ۷/۳۱۶، مستدرک الصحیحین / ۴/۴۵۴، مسند احمد بن حنبل / ۳/۵، ۴۸،

۶۰، ۶۹، ۳۳۳، ۳۱۷.

۲- مسند احمد بن حنبل / ۳/۹۸.

۳- شرح صحیح مسلم از نووی / ۱۸/۳۹.

۴- منبع سابق.

هشت یا نه سال به همین صورت حکومت می کند، اما پس از او زندگی لذتی ندارد.» و یا فرمود: «در زندگی پس از او خیری نیست.» (۱)

این حدیث حسن و ثابت است و شیخ اهل حدیث در مسند خود آورده است. (۲)

این حدیث رابه همین صورت حافظ ابونعیم آورده است و خدا عالم است.

## « باب یازدهم »

«پاسخ به کسانی که گمان می کنند مهدی علیه السلام همان عیسی بن مریم علیه السلام است.»

حافظ یوسف بن خلیل بن عبدالله دمشقی از علی بن حوشب گوید: از مکحول شنیدم که از ابی طالب علیه السلام حدیث نقل می کرد. وی می گفت: علی فرمود: «به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم: آیا مهدی علیه السلام از ما آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است یا از نسل دیگران؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خیر، بلکه از ماست، خداوند دین را همانگونه که با ما آغاز کرد به وسیله ما نیز به پایان می برد، و به وسیله ما از آشوبها نجات می بخشد همانگونه که [پیش از این مردم را] از شرک [و بت پرستی] نجات داد، و به وسیله ما میان قلبهای مردم پس از دشمنی و عداوت، پیوند برادری ایجاد می کند چنان که پس از عداوت زمان شرک به وسیله ما میان قلبها الفت بخشید، و به وسیله ما پس از عداوت ناشی از فتنه برادر می شوند همانگونه که پیش از این پس از عداوت شرک برادر شدند.» (۳)

این حدیث حسن و عالی است، که حافظان در کتب خود آورده اند، و اما طبرانی نیز این را در معجم اوسط خود آورده است. و ابونعیم در حلیه الاولیاء (۴) آن را ذکر می کند، و عبدالرحمان بن حاتم

---

۱- در این نسخه آمده: ثم لاخیر فی العیش بعده او قال: لاخیر فی الحیاہبعده. و در نسخه ای دیگر آمده: ثم قال: لاخیر فی العیش بعده.

۲- مسند احمد / ۳/۳۷، ۵۲ / مجمع الزوائد / ۷/۳۱۳، مستدرکالصحیحین / ۴/۵۵۷، ینابیع الموده / ۵۶۳.

۳- مجمع الزوائد / ۷/۳۱۶، مسند احمد بن حنبل / ۱/۸۴ و گوید: طبرانیدر کتاب الاوسط خود آورده است، کنز العمال / ۷/۲۶۳.

۴- حلیه الاولیاء / ۳/۱۷۷.

حافظ ابو عبدالله محمد بن عبدالواحد بن احمد مقدسی از وهب بن منبه \_ جابر: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «عیسی بن مریم علیه السلام فرود می آید و امیر آنها مهدی علیه السلام می گوید: جلو بیایید و نماز بگزارید. عیسی علیه السلام می فرماید: آگاه باشید که برخی از شما بر دیگران امیرند و این کرامتی است که خداوند به این امت بخشیده است.» (۱)

این حدیث حسن است و حارث بن ابی أسامه در مسند خود و حافظ ابونعیم در مناقب المهدی علیه السلام به همین صورت که ما آوردیم، آورده اند.

این روایات دلالت بر این دارند که مهدی علیه السلام غیر از عیسی علیه السلام می باشد، و حدیث (لا مهدی الا عیسی بن مریم) [مهدی جز عیسی بن مریم نیست] از محمد بن خالد جندی مؤذن چند از ابان بن صالح از حسن است که شافعی المطلبی گوید: وی در حدیث سهل انگار است. (لذا این حدیث اعتبار ندارد)

اخبار و روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در باره حضرت مهدی علیه السلام وارد شده مبنی بر این که آن حضرت هفت سال حکومت می کند و زمین را از عدالت پر می کند و همراه عیسی بن مریم علیه السلام خروج می کند و در کشتن دجال در باب «لُد» در سرزمین فلسطین به آن حضرت کمک می کند، و این که امامت جماعت را بر عهده می گیرد و عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر آن حضرت نماز می گزارد، متواتر و مستفیض است. و شافعی در کتاب خود \_ الرساله \_ که اصل است و ما از آن روایت می کنیم (اما ذکر سند آن طولانی است) می گوید: علماء اتفاق نظر دارند حدیثی که راوی آن مشهور به سهل انگاری و بی دقتی است قابل قبول نخواهد بود.

## « باب دوازدهم »

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هرگز امتی که من در اول آن، عیسی در آخر آن و مهدی علیه السلام در بین آن باشد هلاک نمی شود.»

حافظ اسماعیل بن ظفر در دمشق از عبدالله بن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هرگز امتی که من در اول

آن و عیسی در آخر آن و مهدی در وسط آن است هلاک و نابود نمی شود.» (۲)

ص: ۲۶

- 
- ۱- فیض القدير/۶/۱۷، كنز العمال/۷/۱۸۷، مسند امام احمد/۳۸۴، ۳/۳۴۵ و ج/۲/۳۳۶، ينابيع الموده/۵۳۸.
  - ۲- ينابيع الموده/۵۳۸، قصص الانبياء/۵۵۴ و در آن آمده است: چگونه خدا امتی را هلاک خواهد کرد در حالی که من اول آن و عیسی علیه السلام در پایان آن و مهدی در وسط آن است؟"، كنز العمال/۷/۱۸۷ و ج/۸/۲۱۸.

این حدیث حسن است و حافظ ابونعیم در عوالی خود و احمد بن حنبل در مسند خود آورده است و مراد آن حضرت از اینکه فرمود: «عیسی در آخر آن است»، این نیست که عیسی علیه السلام پس از مهدی علیه السلام باقی می ماند زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «بعد از مهدی علیه السلام خیری در زندگی [یا] در زندگی کردن نیست.»

در روایات هست که مهدی علیه السلام امام آخرالزمان است و بر این اساس امامی پس از او نخواهد بود. و اگر گفته شود: عیسی علیه السلام پس از مهدی علیه السلام امام امت خواهد بود می گویم: این سخن جایز نیست، زیرا خود آن حضرت صریحاً فرمودند: «پس از مهدی، در زندگی خیری نخواهد بود»، و اگر عیسی علیه السلام در میان مردم باشد جایز نیست که گفته شود خیری در زندگی آنان نیست و نیز نمی توان گفت که: عیسی علیه السلام نایب و جانشین مهدی علیه السلام است زیرا مقام عیسی علیه السلام بالاتر از این است و نیز جایز نیست که گفته شود او امت مستقلی خواهد داشت زیرا توهم را ایجاد می شود که مذهب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم به مذهب عیسوی تغییر یافته و این (عین) کفر است، پس واجب است که این حدیث را به اینصورت حمل کنیم که: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اولین دعوت کننده به اسلام و مهدی اوسط دعوت کنندگان و مسیح علیه السلام آخرین دعوت کنندگان است و به عقیده من معنای روایت همین است.

احتمال دارد که معنای حدیث این باشد: مهدی اوسط این امت یعنی بهترین آن است، زیرا امام امت است و پس از او عیسی علیه السلام نازل می شود، در حالیکه آن حضرت را تصدیق می کند و یار و یاور او خواهد بود و برای امت اسلام صحت گفتار و ادعای مهدی علیه السلام را تبیین و آشکار می کند، پس بنابراین مسیح علیه السلام آخرین تصدیق کنندگان است.

## «باب سیزدهم»

«کنیه آن حضرت، و این که خوی مهدی علیه السلام شبیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است»

حافظ ابوالحسن محمد بن ابی جعفر قرطبی از حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند در آن روز مردی را برانگیزد که هم نام و هم اخلاق من است، کنیه اش ابوعبدالله است، و مردم میان رکن و مقام با او بیعت می کنند. خداوند به وسیله او دین را باز می گرداند و برای او فتح عظیم می کند و در روی زمین کسی

باقی نمی ماند مگر آن که گوینده ی «لا اله الا الله» می شود.» سلمان در این هنگام برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا، او از نسل کدام فرزندی می باشد؟ فرمود: «از نسل این فرزندم» و با دست خود به [دوش]

ص: ۲۷



این حدیث حسن است، که به حمد خدا از طریق عالی روزی ما شد. پس معنای سخن آن حضرت که فرمود: «خُلِقَ خُلُقِي» خوی او خوی من است، کنایه از انتقام گرفتن مهدی علیه السلام از کافران می باشد. همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین کرد و خداوند فرمود: (و إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ) (۲)

#### « باب چهاردهم »

« نام سرزمینی که مهدی علیه السلام از آنجا خروج می کند »

شیخ الشیوخ عبدالله بن عمر بن حمویه از عبدالله بن عمرو: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی از قریه ای به نام «کرعه» خروج می کند.» (۳)

این حدیث حسن است که از طریق عالی روزی ما شد و ابوالشیخ اصفهانی در عوالی خود و ابونعیم در مناقب مهدی علیه السلام آورده است.

---

۱- صحیح ترمذی ۲/۳۶، حلیه الاولیاء ۵/۷۵، مسند احمد بن حنبل ۱/۳۷۶ تاریخ بغداد ۴/۳۸۸، ذخائر العقبی ۱۳۶/ کنز العمال ۷/۱۸۸.

۲- قلم (۶۸): ۵. منظور این است که مهدی علیه السلام روش پیامبر را داشته و از کفار انتقام خواهد گرفت.

۳- ینابیع الموده ۵۲۲/ به نقل از جوهر العقیدین. و نیز در آن آمده است: مهدی از قریه ای در یمن به نام کرعه خروج می کند. البته نقل فوق با روایاتشیه که آن حضرت از مکه ظهور می کنند مخالفت دارد. م

«ابری که به هنگام خروج مهدی علیه السلام همواره بر سر آن حضرت سایه می افکند»

حافظ ابو عبدالله محمد بن عبدالواحد بن احمد مقدسی از عبدالله بن عمرو: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی خروج می کند در حالی که بر سرش ابری سایه افکن است و از میان آن ابر هاتفی ندا در می دهد: این مهدی، خلیفه خداست از او پیروی کنید.» (۱) این حدیث حسن است و

ماجز از این طریق روایت نکردیم، ابونعیم نیز در مناقب المهدی علیه السلام آنرا آورده است.

## «باب شانزدهم»

«فرشته ای که همراه مهدی علیه السلام خارج می شود»

حافظ ابوالحجاج یوسف بن خلیل دمشقی از عبدالله بن عمرو: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی علیه السلام خروج می کند در حالی که بر سرش فرشته ای است که ندا می دهد: این مهدی است از او پیروی کنید.» (۲)

این حدیث حسن است. حافظان و ائمه حدیث مانند ابونعیم و طبرانی و دیگران آن را روایت کرده اند.

حافظ یوسف بن خلیل در حلب از ابورومان: علی علیه السلام فرمود: «آن زمان که منادی از آسمان ندا می دهد که حق در آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، زمانی است که مهدی علیه السلام ظهور خواهد کرد.»

حافظ طبرانی در معجم خود و ابونعیم در مناقب المهدی علیه السلام نیز این حدیث را آورده است.

با همین اسناد از ابوقبیل از عبدالله بن عمرو آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مردی از نسل حسین علیه السلام از سمت مشرق خروج می کند (۳)، اگر کوهها در مقابل او قرار گیرند همه را از میان می برد و

راههایی را در میان کوهها باز می کند.»

طبرانی و ابونعیم این حدیث را نقل می کنند.

ص: ۲۹

---

۱- مستدرک الصحیحین / ۴/۴۶۳، ۵۰۲، ینابیع الموده / ۵۲۲ و در آن آمده: او مهدی علیه السلام است او را اجابت کنید.

۲- منبع سابق و ینابیع الموده / ۵۳۷ و ۵۳۹.

۳- در عبارت نقصی وجود دارد و گمان می کنم اصل عبارت این باشد: «مهدی از فرزندان حسین علیه السلام خروج می کند.»

## « باب هفدهم »

«صفات مهدی علیه السلام و توصیف رنگ و اندام آن حضرت علیه السلام»

وزیر ابومحمد حسن بن سالم بن علی بن سلام دمشقی از حدیفه : رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی مردی از فرزندان من است، صورتش چون ستاره درخشان است، رنگش رنگ عربی و اندامش اندام اسرائیلی (۱)»

است، زمین را از عدالت پر می کند همانطور که از ظلم پر شده است، در زمان خلافت او اهل زمین و آسمان و حتی پرندگان هوا راضی و خشنود می شوند، او بیست سال حکومت می کند.» (۲)

این حدیث حسن است که به حمد و سپاس الهی از طرف جمع فراوانی از اصحاب ثقفی روزی ما شد و سندش نزد ما مشهور است .

ابونعیم در مناقب المهدی علیه السلام آورده، و طبرانی در معجم خود از قول محمد بن ابراهیم بن کثیر صوری نقل کرده و می گوید: او گفت : ورا دین جراح برای ما حدیث کرد.... و حدیث را به همان صورت که ما آوردیم، آورده است .

## « باب هجدهم »

«خالی که آن حضرت بر گونه راستش دارد، لباس ایشان و فتح سرزمین های شرک»

حافظ یوسف بن خلیل بن عبدالله دمشقی از ابوامامه باهلی : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : «میان شما و روم

- 
- ۱- از نظر جسمی، نیرومند است. (ویراستار)
  - ۲- ینابیع الموده / ۵۶۲، الصواعق المحرقة / ۹۸.

(پس از جنگ) در یک روز انجام خواهد شد، که چهارمین آن به دست مردی از آل هرقل خواهد بود که هفت سال دوام می آورد. «مردی از عبدالقیس به نام مستوردین غیلان به آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: ای رسول خدا، امام مردم در آن روز چه کسی خواهد بود؟ فرمود: «مهدی از فرزندان من می باشد که چون ظهور کند به صورت مرد چهل ساله است، رویش چون ستاره تابان می درخشد، در گونه راستش خالی سیاه دارد، و دو عبای قطوانی بر تن دارد (۱) می باشد، گوئی که (از نظر توان جسمی) یکی از

مردان بنی اسرائیل است، بیست سال حکومت می کند، ذخائر زمین را استخراج می کند و سرزمینهای شرک را فتح می نماید.»

این سیاق طبرانی در معجم اکبر خود می باشد، و ابونعیم در مناقب المهدی علیه السلام آنرا آورده است. (۲)

## «باب نوزدهم»

«دندان های آن حضرت علیه السلام»

حافظ ابوطاهر اسماعیل بن ظفر بن احمد نابلسی از ابوسلمه بن عبد الرحمان \_ عوف \_ پدرش: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: « [ به خدا قسم ] خداوند متعال از عترت من مردی را بر می انگیزد که دندانهایش فاصله دارند، پیشانی اش روشن و نورانی است، زمین را از عدل و داد پر می کند و مال و ثروت را [ بر مردم ] فرومی ریزد. » (۳)

ابونعیم در عوالی خود آورده، و طالوت بن عباد تنها، این حدیث را نقل کرده است و او در نقل روایت نزد ما شناخته شده است.

حافظ ابوالحجاج یوسف بن خلیل از هشتم بن عبد الرحمان: علی بن ایطالب علیه السلام فرمود: «مهدی در مدینه به دنیا می

---

۱- قطوان، مکانی است در کوفه. و پارچه های قطوان معروف است.

۲- الصواعق المحرقة ۹۸/، كنز العمال ۷/۱۸۶ و گوید: رویانی از حذیفه آن را نقل کرده است، ینابیع الموده/ ۵۲۰، ۵۳۷.

۳- ینابیع الموده ۵۱۷/ به نقل از مشکاه المصابیح، و ص ۵۲۰، از جواهرالعقدین.

۴- صاحب ینابیع الموده/ ۵۴۳ می گوید: آنچه نزد راویان مسلم است ایناست که ولادت قائم علیه السلام در سامراء خواهد بود و مورخان به همین امر تکیه کرده اند و جز در این روایت، از مدینه بعنوان محل تولد آن حضرت یاد نشده.



پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و به بیت المقدس مهاجرت می کند، ریشی انبوه دارد، و چشمانی سرمه کشیده، دندانهای براق دارد و در صورتش خالی مشخص است، در شانه اش علامت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و من این مطلب را در پارچه ای سیاه مربع و مخملی یافتم که از زمان وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دیگر باز نشد، و تا ظهور مهدی علیه السلام نیز باز نمی شود، و خداوند با سه هزار فرشته مهدی علیه السلام را یاری می کند.»

طبرانی این روایت را در معجم خود و ابونعیم در مناقب المهدی علیه السلام آورده است.

### «باب بیستم»

«فتح قُسطنطیّه»

مقری عبد الحق بن خلف بن عبدالحق از ابوهریره: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «قیامت بر پا نمی شود تا اینکه مردی از اهل بیت من، قسطنطنیه و جبال دیلم را فتح می کند و اگر [از عمر دنیا] جز یک روز باقی نمانده باشد خدا آن روز را چنان طولانی می کند تا وی این سرزمین ها را فتح کند.» (۱)

این سیاق حافظ ابونعیم است و گفته است: این بدون شک طبق روایات این شخص همان مهدی علیه السلام است.

ابراهیم بن خلیل بن عبدالله از حذیفه بن الیمان: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «طاهربن اسماء با بنی اسرائیل مبارزه کرد و آنها را به اسارت گرفت، و زینت و زیورآلات بیت المقدس را جمع کرد و با آتش سوزاند و بخشی از آنها را از طریق هزار و هفتصد کشتی به روم برد.» حذیفه گوید: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی آن را استخراج می کند تا به بیت المقدس بازگرداند. آنگاه با همراهان به شهری پشت روم می رسند که در آن صد بازار است و در هر بازار صد هزار بازار که همه آنها را فتح می کند، آن گاه از آنجا می گذرند و به شهری به نام «قاطع» می رسند که در کنار دریای اخضر قرار دارد که محیط به دنیاست و پشت او جز امر الهی نیست، طول آن شهر هزار میل و عرض آن پانصد میل است و سه هزار دروازه دارد، و آن دریا هیچ کشتی روانی را حمل نمی کند زیرا قعر و عمقی ندارد و هر کدام از دریاها را که می بینید خلجانی از آن دریاست که خداوند آن را وسیله منفعت فرزندان آدم قرار داده [و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ] پس دنیا به اندازه مسیر پانصد سال است.»

---

۱- صحیح ابن ماجه در ابواب جهاد، فضائل الخمسه / ۳/۳۲۷.

ما از عهده ی متن این روایت برنمی آئیم. (اما می گوئیم:) حافظ ابونعیم علیرغم جلالت و منزلتش در مناقب المهدی علیه السلام این روایت را آورده و کتاب او اصل است. (یعنی مورد اعتماد و استناد است.)

### « باب بیست و یکم »

«مهدی علیه السلام پس از حکومت ستمگران قیام می کند»

حافظ ابو عبدالله محمد بن عبدالواحد مقدسی از قیس بن جابر صدفی \_ پدرش \_ جدش: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «پس از من خلفائی و پس از خلفاء امرائی خواهند آمد و پس از امراء، پادشاهانی ستمگر می آیند، آن گاه مهدی (۱) که از اهل بیت من است خروج می کند

و زمین را از عدل و داد پر می کند چنان که از جور و ستم پر شده است.» (۲)

ابونعیم در فوائد خود و طبرانی در معجم اکبر خود آن را آورده، و به حمد الهی از این طریق این روزی عالی نصیب ما گشت.

### « باب بیست و دوم »

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مهدی علیه السلام ، پیشوایی صالح است»

حافظ ابوالحجاج یوسف بن خلیل بن عبدالله دمشقی از ابوامامه: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای ما خطبه خواندند و از دجال یاد کردند و در ضمن آن فرمودند: «مدینه خباثت دجال را از بین می برد همان گونه که کوره آهنگری سختی آهن را نرم می کند.»

ص: ۳۳

---

۱- در اینجا آمده: «ثم یخرج المهدی من اهل بیتی...» و در نسخه ای دیگر آمده: «ثم یخرج رجل من اهل بیتی...»

۲- اسد الغابه / ۱/۲۵۹، الاستیعاب / ۱/۸۵، الاصابه / ۷/۳۰، کنز العمال / ۷/۱۸۶، و گوید: طبرانی آن را آورده است.

ام شریک عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن زمان عرب ها کجایند؟ فرمود: «آنها در آن روز اندکند و اکثر [یاران مهدی علیه السلام] در بیت المقدس می باشند و امام آنها مهدی علیه السلام است که مردی صالح می باشد و چون امام ایشان برای نماز صبح قدم پیش می نهد ناگهان عیسی بن مریم علیه السلام بر آنها نازل می شود و آن امام به پشت می آید تا عیسی علیه السلام امامت نماز جماعت را بر عهده گیرد، اما عیسی علیه السلام دست خود را میان دو کتف او می گذارد و می گوید: جلو بیا و نماز بگزار، که این جماعت برای تو برپا شده، [پس] امام آنها بر ایشان نماز می گزارد.» (۱)

این حدیث حسن است، و حافظ ابونعیم صاحب حلیه الاولیاء آن را روایت کرده که به حمد خداوند از طریق عالی به ما رسیده است.

## «باب بیست و سوم»

«امت در زمان مهدی علیه السلام متنعم خواهند بود»

حافظ یوسف بن خلیل بن عبدالله دمشقی از ابوسعید خدری: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «امت من در زمان مهدی علیه السلام از نعمت هائی بهره مند می شوند که هرگز از مثل آن بهره مند و متنعم نبوده اند، آسمان بر آنها می بارد و زمین روئیدنی های خود را بیرون می دهد و مال و ثروت فراوان می شود [به طوری که] مردی برمی خیزد و می گوید: ای مهدی علیه السلام به من عنایت فرما، پس او می گوید: بگیر.»

این حدیث دارای متنی حسن است، حافظ ابوالقاسم طبرانی در معجم اکبرش مانند ما آورده است. (۲)

- 
- ۱- الصواعق المحرقة ۹۸، كنز العمال ۸/۱۸۷، فیض القدير ۶/۱۷.
  - ۲- مجمع الزوائد ۷/۳۱۷ از ابوهریره، مستدرک الصحیحین ۴/ ۱۵۵۸ از قول ابوسعید خدری، ینایع الموده ۵۲۱.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «مهدی خلیفه و جانشین خداوند متعال است»

حافظ ابوالحسن محمد بن ابی جعفر احمد بن علی از ابواسماء \_ ثوبان: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «در کنار گنجی جنگ درمی گیرد که همگی فرزندان خلیفه هستند و خلافت به هیچیک از آنها نمی رسد سپس خلیفه خدا مهدی علیه السلام می آید، چون سخن او را شنیدید نزد او بروید و با او بیعت کنید که او خلیفه خدا مهدی علیه السلام است.»

(۱)

این حدیث دارای متنی حسن است، که به حمد الهی و حسن توفیق خداوند از این وجه به دست ما رسیده است، و در آن دلیلی است بر شرافت مهدی علیه السلام که به زبان صادق ترین فرزندان آدم (یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) خلیفه خدا در زمین است، و خداوند متعال فرمود: (یا ایها الرسول بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ الْيَكُ مِنْ رَبِّكَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) (۲)

## «باب بیست و پنجم»

«مهدی علیه السلام از زمان غیبت تاکنون زنده و باقی است»

منکرین زنده بودن آن حضرت دو دلیل می آورند:

اول: چگونه ممکن است شخصی عمر طولانی داشته باشد؟ اکنون زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام بیش از هزار سال است.

دوم: اینکه چگونه آن حضرت بدون هیچ گونه خوردنی و آشامیدنی در سرداب بسر می برد و این عادتاً محال است.

می گوئیم: در جهان افرادی همچون عیسی علیه السلام و خضر علیه السلام از اولیای خدا و دجال و ابلیس از دشمنان خدا قرن ها است که زنده و باقی هستند و بقای آنها از کتاب و سنت اثبات شده است. بنابراین بقای مهدی محال نیست و

۱- مستدرک الصحيحین / ۴/۴۶۳ و ۵۰۲، ینایع الموده / ۵۲۲.

۲- مائده (۵): آیه ۶۷. یعنی: ای پیامبر، آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است را به مردم برسان، و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای و خداوند تو را از مردم نگاه می دارد. (و پیامبر مأمور ابلاغ پیام های خدا است و آنچه می گوید صادق است)



امکان پذیر می باشد.

اما دلیل ما بر حیات و بقای حضرت عیسی علیه السلام تاکنون، این آیه شریفه است: (و إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ) (۱)، طبق این

آیه زمانی خواهد رسید که کلیه اهل کتاب (از جمله یهودیان) قبل از مرگ عیسی علیه السلام به آنحضرت ایمان خواهند آورد. و عیسی علیه السلام تا آن زمان زنده است. عمر حضرت عیسی علیه السلام طولانی تر از حضرت مهدی علیه السلام است.

اما دلیل ما از سنت، روایتی است که مسلم در صحیح خود از قول زهیر بن حرب با اسنادش از نواس بن سمعان در حدیثی طولانی در قصه دجال ذکر می کند و می گوید: عیسی بن مریم علیه السلام در کنار مناره ای سفید رنگ در شرق دمشق در دو پوشش زرد رنگ نازل می شود، در حالیکه کف دو دستش را روی بال دو ملک گذاشته است. (۲)

(بنابراین تا آن زمان زنده خواهد بود.)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (که پیش از این ذکر شد) نیز فرمود: «چگونه خواهید بود آن زمان که فرزند مریم در میان شما نازل می شود اما امام شما از شما خواهد بود؟» (۳)

اما در مورد حضرت خضر و الیاس ۸۸ ابن جریر طبری می گوید: خضر و الیاس باقی و زنده اند و در زمین سیر می کنند.

و اما درباره دجال روایاتی هست که نشان می دهد دجال در زمان پیامبر زنده بوده است. بطور مثال: روایتی نیز مسلم در صحیح خود آورده است که حافظ محمد بن ابی جعفر قرطبی از ابوسعید خدری نقل می کند: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای ما حدیثی طولانی از دجال تعریف کرد و از جمله سخنان آن حضرت این بود: «دجال می آید در حالیکه بر او ورود به مدینه حرام است پس به شوره زارهای اطراف مدینه می رود، در آن هنگام مردی به سوی او می رود که بهترین مردم یا از جمله بهترین مردمان است، می گوید: گواهی می دهم که تو همان دجالی هستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ما را از او با خبر کرده بود. دجال گوید: ای مردم اگر این مرد را بکشتم سپس زنده اش کنم آیا در حقانیت من شک می کنید؟ می گویند: خیر، با اینحال دجال آن مرد نیک را می کشد و سپس زنده اش می کند و چون آن مرد زنده می شود می گوید: به خدا قسم هرگز مانند این زمان به تو [و این که دجال هستی] بصیرت نداشتیم. پس دجال قصد جان او را می کند اما نمی تواند بر وی مسلط گردد.» ابواسحاق (ابراهیم بن محمد بن سعد) گفت: می گویند آن مرد نیک همان خضر است.

ص: ۳۶

۱- سوره نساء - آیه ۱۵۹ - یعنی: و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر آن که پیش از مرگ حضرت عیسی علیه السلام به آن حضرت ایمان می آورد.

۲- کنز العمال / ۷/۱۸۷، فیض القدر / ۶/۱۷۷.

٣- مسند احمد بن حنبل ٢/٣٣٦ و ج ٣/٣٦٧، تذكره الخواص /٣٦٤.

این عبارت مسلم در صحیحش می باشد. (۱) و ما نیز عین همان را

آوردیم.

و اما دلیل ما بر حیات و بقای دجال (۲): ابواسحاق ابراهیم بن

برکات بن ابراهیم از شعب همدان \_ از فاطمه بنت قیس و خواهر ضحاک بن قیس، که از اولین زنان مهاجر بود پرسید: حدیثی را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدی بدون آن که به شخص دیگری (جز پیامبر) اسناددهی برایم بازگو کن. فاطمه گفت: اگر بخواهی می گویم. گفت: آری برایم بگو. فاطمه گفت: روزی ندای منادی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای نماز جماعت ندا داد، به مسجد رفتم و همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز گزاردم. چون آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم از نماز فارغ شد روی منبر نشست و در حالی که لبخند می زد فرمود: «هرکس در مصلاهی خود بنشیند» آن گاه فرمود: «آیا می دانید چرا شما را جمع کردم؟» عرض کردند: خدا و رسولش آگاهند. فرمود: «به خدا قسم شما را از روی اشتیاق یا ترس جمع نکردم بلکه شما را به این جهت جمع کردم که تمیم الداری که مردی مسیحی بود نزد من آمد، بیعت کرد (۳) و اسلام آورد و برای من

حدیثی گفت که موافق سخنی بود که پیش از این درباره مسیح دجال (۴) برای شما گفته بودم. تمیم الداری نقل کرد که روزی همراه

سی مرد از قبیله لخم و جذام سوار کشتی شد موج دریا آنها را یک ماه در دریا سرگردان کرد و سرانجام به هنگام غروب خورشید به جزیره ای در آن دریا رسیدند. آن گاه در کشتی کوچکی نشسته و سپس وارد جزیره شدند و به موجودی پر مو برخورد کردند که از فراوانی موی بدن جلوی او از پشتش تشخیص داده نمی شد پس از او پرسیدند: وای بر تو، تو کیستی؟ او گفت: من جساسه (جستجوگر) هستم. پرسیدند: جساسه چیست؟ گفت: ای مردم، به سوی مردی که در دیر می باشد بیائید و چون نام مردی را برد از ترس آن که جساسه همان شیطان باشد از او دور شدیم، و به سرعت به سوی دیر رفتیم که در آنجا انسانی را دیدیم که تا آن زمان کسی را به هیکل مندی او ندیده بودیم در حالی که به وسیله زنجیرهای آهنی دستانش به گردن و زانوانش به پاهایش بسته شده بود. گفتیم: وای بر تو، تو کیستی؟ گفت: شما از من با خبر شدید حال به من بگوئید شما کیستید؟ گفتیم: ما مردمانی عرب هستیم که در کشتی سوار شدیم و با تلاطم امواج دریا برخورد کردیم و موج ما را یک

ص: ۳۷

۱- شرح صحیح مسلم / ۱۸/۷۱.

۲- درباره ی دجال و مشخصات او روایات مختلف نقل شده است. بسیاری از مطالب آنها بگونه ای است که نمی توان درباره آنها تصویر روشنی ارائه کرد. ولی آنچه مهم است دیدگاه کلی اهل سنت را در خصوص امام مهدی علیه السلام بیان می کند و این نکته قابل توجه است. (ویراستار)

۳- در کتابهای اهل سنت درباره دجال اخبار متعددی آمده است که درباره صحت و سقم آنها به سادگی نمی توان اظهار نظر نمود. این خبر نیز یکی از آنهاست. آنچه مهم است اعتقاد بر عمر طولانی امام زمان علیه السلام است که اهل سنت همانند شیعه به آن اقرار دارند. شیعه بنا بر نقل از ائمه و پیامبر بدان معتقد می باشد. (ویراستار)

۴- مسیح هم به نام حضرت عیسی علیه السلام اطلاق می شود و هم نام دیگر دجال است.



۲- مسیح به معنای مسح کننده و نیز به معنای نجات بخش آمده است.

۳- ممکن است مراد از دریای شام، مدیترانه و از دریای یمن، دریای عمان باشد.

محمد بن احمد از اسحاق بن عبدالله از عمویش انس بن مالک: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هفتاد هزار نفر از یهودیان اصفهان از دجال پیروی می کنند در حالی که عبایی سبزرنگ بر تن دارند.»

این حدیثی است که بر صحت آن اتفاق است و این سیاق مسلم است. (۱)

و اما دلیل بر بقای ابلیس ملعون آیات قرآن کریم از جمله این آیه شریفه است: (قال أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ، قال إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ). (۲)

اما حیات و بقای مهدی علیه السلام هم در کتاب و هم در سنت آمده است.

دلیل ما از قرآن کریم سخن سعید بن جبیر در تفسیر این آیه شریفه است: (لِيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) (۳) که گفت: او مهدی

است که از عترت [و فرزندان] فاطمه علیها السلام می باشد.

مقاتل بن سلیمان و مفسرانی که از او پیروی کرده اند در تفسیر آیه شریفه: (وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ لِّلسَّاعَةِ) (۴) می گویند: مراد مهدی علیه السلام است که در

آخر الزمان می آید و پس از خروج او قیامت و علائم آن ظهور می کند.

و دلایل ما از سنت همان احادیث صحیح و صریحی است که در فصل های گذشته بطور مشروح ذکر شد.

پس در پاسخ به طول عمر آن حضرت از جهت نص و معنا چنین می گوئیم: از نظر نص، اخباری وجود دارد که سه نفر با طول عمر زیاد در آخر الزمان خواهند بود (مهدی، عیسی، دجال) در میان آنها تنها از مهدی علیه السلام پیروی می شود زیرا او امام امت است. (نفر دوم) عیسی علیه السلام [است که] پشت مهدی علیه السلام نماز می گزارد عیسی علیه السلام ادعای مهدی علیه السلام را تصدیق می کند. سومین نفر دجال ملعون است که ثابت کردیم او هم اکنون حی و حاضر است.

اما چگونگی زنده بودن ایشان از دو حال خارج نیست، یا آن که بقای ایشان به قدرت الهی است و یا نه، محال است که زنده بودن آنحضرت از قدرت الهی خارج باشد زیرا خدائی که مخلوقات را آفریده و آنها را فانی می کند سپس بعد از فناء آنها را بازمی گرداند، بقاء موجودات تحت قدرت او است. و چون بقاء موجودات تحت قدرت الهی است باز از دو حالت خارج نیست، یا به اختیار خداوند متعال بازمی گردد یا به اختیار امت. بقاء به اختیار امت نیست. زیرا هیچکس چنین قدرتی را ندارد. پس ما قدرتی بر این کار نداریم، لذا بقای موجودات فقط به اختیار خداوند سبحان باز می گردد. آنگاه بقای این سه نفر از دو قسم خارج نیست یا با دلیل

۱- شرح صحیح مسلم النووی / ۱۸/۸۵.

۲- اعراف (۷): ۱۳ و ۱۴. یعنی: گفت: مرا تا روزی که مردم برانگیختهمی شوند مهلت ده فرمود: تو از مهلت داده شدگانی.

۳- توبه (۹): ۳۳.

۴- زخرف (۶۱): ۶۱. یعنی: او [مسیح] سبب آگاهی بر روز قیامت است.



است یا بدون دلیل، اگر بی علت باشد خارج از وجه حکمت است و آنچه از حکمت خارج شود در افعال خداوند متعال وارد نمی‌باشد، پس به ناچار باید سببی داشته باشد که حکمت الهی آن را اقتضاء می‌کند.

اما دلیل بر بقای عیسی علیه السلام سخن خداوند است که فرمود: (وَ اِنَّ مِنْ اَهلِ الْکِتَابِ اَلا لَیُؤْمِنَنَّ بِهٖ قَبْلَ مَوْتِهٖ) «هیچیک از اهل کتاب باقی نخواهد بود مگر اینکه پیش از مرگ آن حضرت به او ایمان خواهد آورد.» و از زمان نزول این آیه تاکنون این آیه تحقق نیافته است. پس باید در آخرالزمان چنین امری واقع شود.

اما دلیل ما بر بقای دجال ملعون روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این مورد است. «دجال یک چشم در میان شماس است و خروج می‌کند در حالیکه همراه او کوهی از نان است که با او حرکت می‌کند» چنین چیزی واقع نشده پس به ناچار باید چنین چیزی در آخرالزمان تحقق پذیرد.

و اما دلیل ما بر بقای امام مهدی علیه السلام باید گفت: از زمان پنهان شدن ایشان تا به امروز این است که زمین از قسط و عدل پر نشده است و این امر مشروط به آخرالزمان و ظهور آن حضرت خواهد بود. آن زمان پس از خروج دجال و نزول عیسی علیه السلام است.

و اخباری که در صحاح آمده و آنها را بیان کردیم دلالت بر بقای دجال همراه با بقای عیسی علیه السلام دارد، پس چه مانعی برای بقای مهدی علیه السلام وجود خواهد داشت در حالیکه بقای او با اختیار خداوند و تحت قدرت الهی است و او نشانه و آیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و شایسته تر از آن دو نفر به بقا و حیات می‌باشد، پس بقای او مصلحت و لطفی است از جانب خداوند عالمیان برای عموم مردم.

در حالی که اگر دجال باقی بماند بقایش موجب فساد جهان خواهد شد زیرا وی ادعای ربوبیت می‌کند مردم مؤمن قرار دارد. اگرچه بقای دجال آزمایشی است از طرف خداوند متعال تا مطیع و عاصی و نیکوکار و بدکار و مصلح و مفسد از هم تشخیص داده شوند و حکمت بقای دجال امتحان و آزمایش مردم.

اما عیسی علیه السلام، هر چند بقای آن حضرت به دلیل آیه ذکر شده موجب ایمان آوردن اهل کتاب و تصدیق به نبوت خاتم انبیاء و رسول صلی الله علیه و آله و سلم خداوند جهانیان خواهد بود.

و وجود ایشان موجب تقویت ادعای امام و تصدیق سخنان او نزد طغیانگران خواهد شد زیرا آن حضرت علیه السلام پشت امام مهدی علیه السلام نماز می‌گزارد و او را یاری می‌کند و مردم را به دین محمدی صلی الله علیه و آله و سلم که مهدی علیه السلام امام آن است فرا می‌خواند. اما بقای مهدی علیه السلام اصل است و بقای آن دو فرع بقای مهدی علیه السلام است. و اگر چنین باشد چگونه می‌تواند بقای دو فرع صحیح باشد اما بقای اصل نه؟ زیرا لازم می‌آید که وجود معلول و مسبب بدون وجود علت و سبب صحیح باشد و این عقلاً محال است.

از طرفی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لا نبی بعدی» پس از من پیامبری نخواهد بود و نیز فرمود: «حلال آن است که خداوند تا روز قیامت بر زبان من حلال کرده باشد، و حرام آن است که خداوند بر زبان من تا روز قیامت حرام کرده

باشد.» ، پس باید عیسی علیه السلام یار و یاور مهدی علیه السلام و تصدیق کننده او باشد. چراکه وجود مهدی علیه السلام اصل و وجود عیسی علیه السلام فرع است.

از طرفی جایز نیست که دجال ملعون در آخرالزمان ظاهر باشد اما امامی برای این امت که [به او پناه ببرند] و به

ص: ۴۰

او رجوع کنند وجود نداشته باشد، زیرا اگر چنین باشد اسلام یقیناً مقهور و دعوتش باطل خواهد بود، لذا وجود امام برای بقای حجت الهی است.

اما این که گفتند چطور ممکن است آن حضرت عمری در سرداب زنده باشد بدون آن که احدی برای ایشان خوردنی و آشامیدنی ببرد؟ (۱) در پاسخ باید گفت: اولاً: بقای عیسی علیه السلام در آسمان بدون غذا

و طعام چگونه جایز است در حالی که او نیز بشر است؟ پس بقای مهدی علیه السلام نیز در سرداب امکان پذیر خواهد بود. و اگر بگوئی: خداوند آسمان، عیسی علیه السلام را از گنجینه های غیش تغذیه می کند، می گوئیم: اگر مهدی علیه السلام را هم در این گنجینه ها سهیم کند از گنجینه اش چیزی کم نمی شود!!

و اگر بگوئی: عیسی علیه السلام از طبیعت بشری خود خارج شده، می گویم: این ادعائی باطل است زیرا خداوند به اشرف پیامبران [حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم] فرمود: (قل انما انا بشر مثلكم) (۲).

و اگر بگوئی: عیسی علیه السلام آن را از عالم بالا کسب می کند، می گویم: این موجب توقیف است [یعنی فقط اختصاص به عیسی علیه السلام دارد] و دلیلی بر این امر وجود ندارد.

ثانیاً: وقتی گفته می شود دجال با بدترین وضع، در حالی که دستهایش به گردن بسته شده و زانوانش به پاهایش زنجیر گشته، و در روایتی هم آمده که در چاهی بسته شده، زنده است. پس اگر بقای دجال به چنین شکلی ممکن باشد بدون آن که کسی برای او طعام و نوشیدنی ببرد چه اشکالی دارد که مهدی علیه السلام باقی باشد در حالی که آنحضرت مکرم و محترم است و در غل و زنجیر هم نمی باشد!؟؟ همه این امور در ید قدرت الهی است.

پس ثابت شد که بقای مهدی علیه السلام شرعاً و عاده محال و ممتنع نمی باشد. (۳)

(این آخرین باب از «کتاب البیان» است.) (۴)

- 
- ۱- البته این اعتقاد که امام در سرداب زندگی کند از نظر شیعه صحیح‌نمی باشد. امام در میان مردم است.
  - ۲- کشف (۱۸): ۱۱۰. یعنی: بگو همانا من بشری مانند شما هستم.
  - ۳- در نسخه چاپ شده در نجف، فصلی در انتهای کتاب آمده و ما بدون حذف، آن را به دنبال می آوریم.
  - ۴- البته بهترین مثال عمر طولانی، حضرت نوح علیه السلام است که طبق آیه قرآن، فقط دوران نبوت ایشان، حدود ۹۰۰ سال بوده است. چنین مواردی از قدرت الهی هیچگاه استبدادی ندارد.

تا اینجا آن قسمتی از کتاب «البیان» که چاپ شده به پایان رسید ولیکن از کلام شاگرد مؤلف یعنی شیخ گرانقدر علی بن عیسی اربلی \_ رحمه الله \_ بر می آید که مؤلف اخباری را پس از این کلام آورده است. وی در صفحه ۳۳۰ از کتاب خود «کشف الغمه» می گوید: سپس مؤلف بعد از این مباحث خبر سطيح(۱) را نقل می کند اینک قسمتی

از این خبر سطيح درباره وقایع آخرالزمان:

طبق این خبر در زمان «ذی جدن ملک»(۲) وقایع و حوادث و

فتنه هائی برپا می شود.

آنگاه وی از خروج مهدی علیه السلام سخن به میان می آورد و این که آن حضرت زمین را از عدالت پر می کند و دنیا و اهل آن در زمان دولت ایشان در خیر و خوشی به سر می برند.

از حافظ محمدبن نجار روایت شده که وی گفت: این حدیثی است طولانی که حافظان حدیث در کتابهای خود آورده اند.

ما نیز برای حسن ختام، خبر سطيح را به همان شکل که در کتاب بحار الانوار جلد ۱۳ در باب «اخبار کاهنان» آمده است می آوریم: (البرسی در مشارق الانوار روایت کرده که: کعب بن الحرث می گوید: ذوجدن، سطيح را احضار کرد تا از مسئله ای که در آن شک داشت پرسش کند. چون سطيح وارد شد ذوجدن خواست که علمش را پیش از حکمش بیازماید، لذا دیناری را زیر پایش پنهان کرد و سپس به او اجازه ورود داد، چون داخل شد پادشاه به او گفت: سطيح چه چیز برای پنهان کرده ام؟ سطيح گفت: به بیت و حرم قسم، به سنگ صاف قسم، به شب آن هنگام که تاریک گردد و به صبح آن گاه که تبسم کند و به هرزبان دار و بی زبان قسم که تو برای من دیناری را میان کفش و کف پایت پنهان کرده ای.

ذوجدن پرسید: این علم را از کجا آورده ای؟ گفت: برادری از جنیان دارم که هر جا بروم با من می آید. پادشاه گفت: از وقایع آینده خبر ده. سطيح گفت: آن زمان که نیکان خوار شوند و اشرار حاکم گردند و فرمان و حکم الهی تکذیب شود و ثروتها با مرکب های فراوان حمل گردند، و دیدگان به احترام اهل گناه به پائین افتد، و صلّه

ص: ۴۲

---

۱- سطيح: نامش ربیع بن ربیع بن مسعود بن مازن بن ذئب بن عدی و او از غسان بود، او درحالی متولد شد که مفصل و استخوانی جز جمجمه نداشت، و گفته می شود که صورتش در سینه اش بود، و در زمان خود از مشهورترین کاهنان بود و اخبار او در سیره ها و تاریخ فراوان است، او دارای عمری طولانی بود، در زمان سیل العرم متولد و به هنگام تولد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت.

۲- او ذوجدن علس بن یشرح بن حارث بن قیس بن صیفی بن سبأ بنیشجب بن یعرب بن قحطان است. گفته اند از پادشاهان حمیر است و او اولین کسی است که در یمن آواز خواند و به همین سبب ملقب به ذی جدن شد، زیرا جدن به معنای صاحب صدای خوش است.

رحم از میان برود و اوباش و فرومایگان ظهور کنند و حرام الهی را حلال شمارند پیمانها شکسته شود، ستاره دنباله دار ظهور کند، باران کم شود، رودها خشک گردند، روزگار زیر و رو شود، در همه سرزمینها اجناس گران شود، سپس بربرها با پرچم هائی زرد رنگ سوار بر اسبان بریده دم رو آورند تا به مصر در آیند، این هنگام مردی از فرزندان صخر خروج خواهد کرد، و پرچم های سیاه را به سرخ تبدیل گرداند، وی حرمت ها را از میان خواهد برد، کوفه را غارت و زنان را از سینه هایشان آویزان کند، زنان برهنه شوند و بی پروا به خیابانها در آیند، همسرانشان کشته و ناتوانی شان افزون گردد و عفت آنها پایمال گردد در این زمان پسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مهدی علیه السلام ظهور می کند، و این همان زمان است که آن مظلوم در یثرب کشته شود و پسر عمویش به حرم درآید و پنهانی ها آشکار گردد. در این زمان مرد خالدار او را همراهی می کند، و نیز مردی بدبخت با شخص ستمگری رو می آورند. که در میان مردم اختلاف تفرقه افتد و پیمانها شکسته شود و حرمت ها از میان برود.

رومیان با قتل بزرگان قوم، غالب می شوند. و در این زمان خورشید به کسوف می نشیند و صفوف سپاهیان برای جنگ و نبرد با یکدیگر بر پا می گردند...

آن گاه پادشاهی از صنعای یمن قیام می کند، نامش حسن یا حسین است پوستی به سپیدی پنبه دارد، با خروج و قیام او فتنه ها از بین می رود و این زمانی است که آن [امام] مبارک پاک، هدایت گر و هدایت شده (هادی و مهدی) و آن سید علوی ظهور کرده است، که با نور وجود او تاریکیها از میان می رود و حق پنهان شده آشکار می گردد و سرمایه ها به طور مساوی میان مردم تقسیم می شود، شمشیرها به غلاف می روند و دیگر خونی ریخته نمی شود، مردم در شادی و آسایش زندگی می کنند، و آب عدالت او از چشم روزگار خار و خاشاک را پاک می گرداند و حق بر سرزمینها جاری می گردد، مهمانی رفتن و مهمانی دادن در میان مردم فراوان می شود. و با عدالت او گمراهی و کوری رخت برمی بندد، گوئی غبارها باوجود او برطرف می گردند و سرانجام زمین را سرشار از عدل و داد می کند، و روزگار به کام می گردد. و این بدون شک همان «نشانه ساعت [قیام] است» (۱).

والسلام

ص: ۴۳

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری



۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

